

## تأثیر نهادهای سیاسی بر عملکرد صندوق‌های نفتی ایران، نروژ و عربستان

ابوالفضل پاسبانی\*، علی چشمی\*\* و میثم پیله‌فروش\*\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۶

### چکیده

این مقاله به تأثیر نهادهای سیاسی بر عملکرد صندوق‌های نفتی پرداخته و در پی پاسخ به این سوال است که چه تفاوت‌هایی در نهادهای سیاسی، سبب تفاوت در عملکرد صندوق‌های نفتی در ایران، نروژ و عربستان شده است؟. به نظر می‌رسد در شرایطی که نهادهای سیاسی، حداکثرسازی منافع را با اتخاذ تصمیمات بلندمدت عملی سازد، سازوکار صندوق‌های نفتی موفق است و در شرایطی که نهادهای سیاسی حداکثرسازی منافع را با اتخاذ تصمیمات کوتاه‌مدت ممکن سازد، سازوکار صندوق‌های نفتی موفق نیست. نهادهای سیاسی در دموکراسی‌های کامل و همچنین حکومت‌های استبدادی پدرمآب به اتخاذ تصمیمات بلندمدت منجر شده، اما نهادهای سیاسی در دموکراسی‌های ناقص به اتخاذ تصمیمات کوتاه‌مدت می‌انجامد. نتایج حاصل از رتبه‌بندی نظر خبرگان نشان می‌دهد در بین نهادهای رسمی، پابندی سیاستمداران حزبی/خانوادگی به منافع بلندمدت حزب/خانندان مهم‌ترین مولفه موثر بر عملکرد صندوق‌های نفتی است. این رتبه‌بندی بر نقش سیاست‌ورزی حزبی یا خانوادگی در افزایش افق تصمیم‌گیری سیاستمداران تأکید دارد. در ایران انگیزش‌های مستتر در نهادهای سیاسی سبب سوق دادن سیاستمداران به اتخاذ تصمیمات کوتاه‌مدت به جای تصمیمات بلندمدت می‌شود. این انگیزه‌ها به گونه‌ای است که سیاستمداران متمایل می‌شوند برای حداکثرکردن منافع خود، بازه زمانی کوتاه‌مدت را مدنظر قرار دهند. این ویژگی یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در عدم موفقیت سازوکار حساب ذخیره ارزی و یا صندوق توسعه ملی در ایران بوده است.

طبقه بندی JEL: D72, D73, Q34.

کلید واژه‌ها: صندوق نفتی، نهادهای سیاسی، ایران، نروژ و عربستان.

\* استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه مفید قم، a.pasebanism@gmail.com

\*\* استادیار دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده اقتصاد، a.cheshomi@um.ac.ir

\*\*\* دانشجوی دکتری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی - نویسنده مسئول،

maitham.p@gmail.com

۱- مقدمه

ایران با داشتن حدود ۱۵۷ میلیارد بشکه ذخایر اثبات شده نفتی<sup>۱</sup> و ۱۲۰۱ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی<sup>۲</sup> یکی از بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر نفت و گاز جهان است و لازم است از این منابع تجدیدناپذیر به صورتی که منافع نسل‌های حال و آینده به صورت توامان حفظ شده و عدالت بین نسلی محقق شود، استفاده‌ای کارآمد در جهت توسعه همه‌جانبه ایران کند. در نتیجه پرداختن به شیوه‌های استفاده از درآمدهای حاصل از صادرات آن‌ها و الزامات استفاده بهینه از آن‌ها ضروری است.

تاسیس «صندوق‌های ثروت ملی»<sup>۳</sup> یکی از راهکارهای استفاده از ارزش حاصل از منابع تجدیدناپذیر است که گمان می‌شود آثار زیان‌بار کمتری به کشورهای برخوردار از این منابع وارد کند.<sup>۴</sup>

یکی از صندوق‌های ثروت ملی که از حدود دهه ۱۹۷۰ گسترش یافت، صندوق‌های نفتی است. صندوق‌های نفتی به منظور مدیریت درآمدهای نفتی در کشورهای تولیدکننده تشکیل شده و به طور عمومی دو گونه هستند: صندوق‌های تثبیت و صندوق‌های پس‌انداز (آسفاها<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷)؛ البته ترکیبی از هر دو نوع معمولاً مرسوم است. به نظر می‌رسد با توجه به جدید بودن پدیده صندوق نفتی در ایران لازم است این موضوع از زوایای متفاوتی مورد مطالعه قرار گیرد.

---

1- OPEC Share of World Crude Oil Reserves, 9 January 2015

2- U.S. Energy Information Administration, June 19, 2015

3- Sovereign Wealth Fund

هر چند به نظر می‌رسد عبارت «صندوق‌های ثروت حاکمیتی» ترجمه دقیق‌تری است، اما عبارت «صندوق‌های ثروت ملی» به طور گسترده متداول شده که در این تحقیق نیز استفاده شد.

۴- نکته‌ای که لازم است قبل از ادامه بحث به آن اشاره شود این است که مدعای این مقاله این نیست که استفاده از سازوکار «صندوق‌های نفتی» راهکاری بهینه برای استفاده از عواید نفتی است یا نیست، بلکه بدون پرداختن به این مساله در پی یافتن جوابی برای معمای ناتوانی در برقراری سازوکاری است که در قوانین مختلف از جمله برنامه سوم، چهارم و پنجم توسعه طراحی شد و در بالاترین سطوح نظام تصمیمگیری کشور، یعنی مجمع تشخیص مصلحت نظام و سیاست‌های کلی بر آن تاکید شد.

5- Asfaha

مشاهده وضعیت حساب ذخیره ارزی و صندوق توسعه ملی<sup>۱</sup> و ناتوانی نظام تدبیر ایران در برپایی سازوکارهایی موفق به منظور ذخیره بخشی از عواید حاصل از فروش نفت با هدف تثبیت بودجه عمومی یا انباشت بین نسلی (عدم موفقیت صندوق‌های نفتی در ایران از جمله حساب ذخیره ارزی و صندوق توسعه ملی در مقالات دیگری نشان داده شده است)<sup>۲</sup>، این موضوع را مطرح می‌کند که چرا صندوق‌های نفتی در ایران نتوانسته است به اهداف تعیین شده دست یابد؟ اما همین سازوکارها در برخی کشورهای دیگر نتایج نسبی قابل قبولی داشته است؟ برای تبیین دلایل این واقعیت، عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی، حقوقی و فنی می‌تواند در عملکرد صندوق‌های نفتی نقش داشته باشد. در این مقاله فقط به تأثیر نهادهای سیاسی شامل (ویژگی‌های سیاستمداران قوه مقننه و قوه مجریه) پرداخته شده و تأثیر نهادهای مالی و حقوقی بر عملکرد صندوق در مطالعات دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد. تأثیر نهادهای سیاسی در یک کشور با دموکراسی نسبتاً کامل (نروژ)، در یک کشور با حکومت استبدادی پدرمآب<sup>۳</sup> (عربستان) و در یک کشور با دموکراسی پرنوسان<sup>۴</sup> (ایران) مورد بررسی قرار می‌گیرد.<sup>۵</sup> بنابراین، مساله اساسی مقاله این است که «چه تفاوت‌هایی در

---

۱- حساب ذخیره ارزی ایران نوع خاصی از صندوق‌های نفتی است که هر دو وظیفه تثبیت بودجه عمومی و سرمایه‌گذاری عواید نفتی را برعهده داشت و از سال ۱۳۸۰ تاسیس شد. صندوق توسعه ملی نیز به عنوان یک صندوق نفتی با هدف سرمایه‌گذاری عواید نفتی از سال ۱۳۹۰ در کنار حساب ذخیره ارزی تشکیل شد و حساب ذخیره ارزی فقط به عنوان صندوق تثبیتی به کار خود ادامه می‌دهد.

۲- نگاه شود به: کریمی‌فرد (۱۳۹۰)، مهدویان (۱۳۸۵)، موسوی‌آزاد و کسمایی (۱۳۹۱)، هادی زنوز و پیله‌فروش (۱۳۹۳)، عزیزنژاد (۱۳۹۳)، صادقی و بهبودی (۱۳۸۳)، حسینی و باستانی (۱۳۹۳) و پناهی‌نژاد و شفیعی (۱۳۹۲). علاوه بر این، عملکرد نامطلوب صندوق‌های نفتی در ایران با شواهدی قابل تبیین است. صندوق‌های ثروت ملی با منشا نفت و گاز حدود ۴۰۵۴ میلیارد دلار دارایی داشته که ۲۷۶۸ میلیارد دلار آن در اختیار صندوق‌های کشورهای حوزه خلیج فارس است؛ در حالی سهم صندوق توسعه ملی ایران حدود ۶۲ میلیارد دلار (و موجودی حساب ذخیره ارزی نیز در این تاریخ منفی) اعلام شد که سهم صندوق توسعه نفتی نروژ ۸۲۵ میلیارد دلار و عربستان سعودی ۶۶۹ میلیارد دلار است (SWFI, 2015).

### 3- Paternalistic

۴- شاخص پولیتی (Polity IV) مبنای این نام‌گذاری بوده که در ادامه مقاله توضیح داده می‌شود.

۵- برای تبیین مساله محوری تحقیق به جای استفاده از «شبهه‌ترین موارد به یکدیگر» به مقایسه «متضادترین موارد» می‌پردازیم. استفاده از این روش امکان بهتری برای طبقه‌بندی عوامل علی به محقق می‌دهد (کارل، ۱۳۸۸، ص ۴۷)؛ در نتیجه سه کشور کاملاً متمایز مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

نهادهای سیاسی سبب شده است تا عملکرد صندوق‌های نفتی در ایران، نروژ و عربستان متفاوت باشد؟»

برای پاسخ به مساله تحقیق بعد از مروری بر مطالعات قبلی به مبانی نظری و مدل مفهومی تحقیق پرداخته و سعی می‌کنیم مولفه‌های تاثیرگذار بر سیاستمداران (و بروکرات‌های) قوه مجریه و قوه مقننه را مورد شناسایی نظری قرار دهیم. سپس فرضیه‌های تحقیق که مبتنی بر تاثیر نهادهای رسمی بر عملکرد صندوق‌های نفتی است به طور تئوریک تحلیل شده و در مرحله بعد، فرضیه‌های تحقیق در نمونه‌ای ۳۰ نفره<sup>۱</sup> از جامعه آماری متشکل از ۱۲۲ نفر از متخصصان به سنجش گذاشته شد و در پایان نتیجه‌گیری کار ارائه شد.

در مجموع، از آنجا که تحقیق حاضر نیاز به کنکاش نظری و مطالعه اسناد دارد، روش کتابخانه‌ای و مصاحبه دقیق برای تکمیل پرسشنامه‌ها به عنوان روش تحقیق برگزیده شد.

## ۲- پیشینه مطالعات درباره تاثیر نهادهای سیاسی بر عملکرد اقتصادی

آیا تفاوت نهادهای سیاسی در عملکرد اقتصادی اثرگذار است؟ مطالعات نشان می‌دهد که پاسخ این سوال مثبت است. رمزی<sup>۲</sup> درباره تاثیر ساختار انتخابات بر تخصیص بودجه بیان می‌کند: «چگونگی شکل‌گیری انگیزه‌های انتخاباتی تعیین‌کننده حجم کل بودجه‌های حوزه انتخابیه است که نمایندگان پارلمان یا سیاستمداران برای حوزه‌های انتخابیه یا رای‌دهندگان بالقوه خود تامین می‌کنند» (رمزی، ۱۹۹۵، ص. ۱۵۷). وی با ارائه مثالی از سیستم انتخاباتی پارلمانی ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم، نشان می‌دهد که رای‌دهندگان به نامزدهای مستقل رای می‌دادند (نه به احزاب) و این رای منفرد و غیرقابل انتقال بود و از هر حوزه انتخابیه چند نماینده انتخاب می‌شد. به این سیستم در اصطلاح MMD<sup>۳</sup> گفته می‌شود. این عملکرد شبیه عملکرد

---

۱- با توجه به قضیه حد مرکزی (Central Limit Theorem) حتی اگر جامعه دارای توزیع نرمال هم نباشد با بزرگ شدن حجم نمونه توزیع  $X$  به سمت توزیع نرمال میل می‌کند. در مسائل کاربردی، هرگاه نمونه  $n$  بزرگ‌تر از ۳۰ باشد، توزیع  $X$  نرمال است و می‌توان از تحلیل واریانس پارامتریک برای بررسی تفاوت میانگین نظرات استفاده کرد (نوفروستی، ۱۳۷۵). در این تحقیق در جامع آماری ۱۲۲ نفره با ۳۰ نفر مصاحبه خواهد شد و در واقع نمونه آماری متشکل از ۲۴/۵ درصد جامعه آماری است که تحلیل نتایج آن از اطمینان کافی برخوردار خواهد بود.

2- Ramseyer

3- Multi\_Member Districts

احزاب انگلستان در قرن نوزدهم است. در خلال قرن نوزدهم نظام انتخاباتی MMD در انگلستان برچیده شد و با کمرنگ شدن نقش حوزه‌های انتخابیه در انتخابات از اهمیت سیاسی بودجه‌های حوزه‌های انتخابیه نیز کاسته شد (رمزی‌یر، ۱۹۹۵، ص ۱۶۰).

در تحقیق پرسون و تابلینی<sup>۱</sup> (۲۰۰۳)، دموکراسی‌های ریاست جمهوری مخارج دولتی کم‌تری دارند و کشورهایی که قاعده اکثریت‌گرایی دارند برای رفاه و تامین اجتماعی کمتر هزینه می‌کنند.

تورویک<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) از اندرسون و آسلاکسن<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) نقل می‌کند: «نفرین منابع به کشورهای دموکراتیک با سیستم ریاست جمهوری مرتبط است نه با نظام پارلمانی». تورویک معتقد است این یافته‌ها تاکید مجددی بر رابطه نزدیک بین انگیزه سیاسی و نفرین منابع است، هرچند دانش ما هنوز درباره پاسخ به این سوال محدود است که چرا نفرین منابع اثر تخریبی بیشتری بر رشد اقتصادی در نظام ریاست جمهوری نسبت به نظام پارلمانی دارد.

باگاتینی<sup>۴</sup> (۲۰۱۱) در «اقتصاد سیاسی ثبات منابع: صندوق‌ها: اندازه‌گیری میزان موفقیت در کشورهای وابسته به منابع»<sup>۵</sup> متغیر سیاسی را برای توضیح موفقیت صندوق‌های نفتی برمی‌گزیند؛ سه متغیر اول که اثرات مثبتی بر عملکرد صندوق‌ها داشته‌اند: تخصیص منابع صندوق به مصارف خاص، کارایی دولت و شاخص پولیتی. دو متغیر بعدی اثرات منفی بر موفقیت صندوق‌ها داشته‌اند: تغییر سریع نظام اجرایی و رقابت سیاسی.

اولسن<sup>۶</sup> درباره اثر استبداد بر عملکرد اقتصادی معتقد است دیکتاتوری که انتظار داشته در یک دوره طولانی حکومت کند، رفتار متفاوتی دارد نسبت به دیکتاتوری که قدرتش بی‌ثبات باشد. دیکتاتور باثبات تلاش بیشتری برای بهبود اوضاع اقتصادی به سبب استمرار منافع خود و خاندانش خواهد داشت (رولاند، ۲۰۱۴ به نقل از اولسن).

در اقتصاد سیاسی ایران نیز این موضوع قابل پیگیری است. در دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۸۶ همه دولت‌ها بودجه‌های سرانه عمرانی و جاری را در سال برگزاری انتخابات و به امید پیروزی

---

1- Persson and Tabellini

2- Ragnar Torvik

3- Andersen and Aslaksen

4- Gustavo Yudi Bagattini

5- The Political Economy of Stabilisation: Funds: Measuring their Success in Resource Dependent Countries

6- Mancur Olson

و کسب حداکثر آرا افزایش داده‌اند. این افزایش در هر دو بودجه جاری و عمرانی، ملموس و معنادار بوده است با این تفاوت که حجم آن در بودجه‌های عمرانی بیشتر است. استراتژی دولت در بودجه‌ریزی استانی، تمرکز بر استان‌های با مشارکت انتخاباتی کمتر است، یعنی حوزه‌هایی که رای دهندگان خاموش بیشتری دارند. دولت‌ها با تخصیص بیشتر به استان‌های کم‌فعال انتخاباتی تلاش می‌کنند با تهیج رای دهندگان، آنان را به مشارکت بیشتر ترغیب کنند. همچنین هدف گذاری دولت در بودجه‌دهی، بیشتر متمرکز بر رای دهندگان رقیب یا رای دهندگان مردد و با نوسان است. این به معنای آن است که دولت‌ها از رای دهندگان باثبات و وفادار خود اطمینان کامل دارند و در عمل سعی می‌کنند تا رای دهندگان دیگر را به جبهه سیاسی خود ملحق کنند (میرشجاعیان و رهبر، ۱۳۹۱).

علاوه بر این، خضری (۱۳۸۷) در «اقتصاد سیاسی رانت‌جویی در بودجه‌ریزی دولتی ایران» با استفاده از رویکرد انتخاب عمومی به بررسی رفتارهای تامین‌کنندگان تامین منابع عمومی، سیاستمداران، بوروکرات‌ها و گروه‌های فشار پرداخته و بیان می‌کند که قدرت سیاسی، اقتصادی و سازمانی سبب شده هزینه‌های بودجه عمومی به میزان زیادی توسط گروه‌هایی غیر از اکثریت تامین‌کنندگان منابع عمومی تعیین شود؛ در نتیجه، ستانده‌های بخش عمومی لزوماً انعکاس رجحان‌های آشکار شده اکثریت نیست.

در مجموع، هر چند مدل سازی درباره اثرات قواعد انتخاباتی یا نوع رژیم سیاسی بر الگوهای مخارج دولت در مرحله طفولیت خود قرار دارد (درازن<sup>۲</sup>، ۱۳۹۰، ص ۹۶۴) و نتایج به دست آمده از مدل‌ها چندان دقیق نیست، اما می‌توان گفت ترکیبی از اندازه حوزه‌های انتخابی کوچک، فرمول انتخاباتی اکثریتی و ساختار رای دهی به افراد، نتیجه انتخابات را تا حد زیادی به عملکرد افراد وابسته می‌سازد. در چنین شرایطی (که بر انتخابات مجلس ایران نیز حاکم است) سیاستمداران ترغیب می‌شوند که منابع بودجه را از طریق کالاهای عمومی محلی به

۱- مقالات زیادی درباره حساب ذخیره ارزی و صندوق توسعه ملی منتشر شده است که در تدوین این مقاله به آن‌ها رجوع شده و به سبب طولانی شدن مقاله در پیشینه تحقیق بیان نشد. از جمله: صادقی و بهبودی (۱۳۸۳)، ابراهیمی و سوری (۱۳۸۴)، مردوخ (۱۳۸۴)، مهدویان (۱۳۸۵)، حاجی‌میرزایی (۱۳۸۵)، بهبودی (۱۳۸۷)، هادی زنون (۱۳۸۸)، کریمی فرد (۱۳۹۰)، موسوی آزاد (۱۳۹۱)، بهبودی، متفکر آزاد، محمدزاده، صادقی و ممی‌پور (۱۳۹۱)، شهنازی، خوش اخلاق و رناتی (۱۳۹۱)، دانشفر (۱۳۹۲)، نادعلی (۱۳۹۲)، پناهی نژاد و شفیعی (۱۳۹۲)، حسینی و باستانی (۱۳۹۳)، زمان‌زاده و الحسینی (۱۳۹۳)، عزیزنژاد (۱۳۹۳) و هادی زنون و پیله‌فروش (۱۳۹۳).

حوزه انتخابیه کوچک، اما تأثیرگذار خود سوق بدهند.

در مقابل، ترکیبی از اندازه حوزه‌های انتخابیه بزرگ، فرمول انتخاباتی تناسبی و رای‌دهی به فهرست‌های احزاب، نتیجه انتخابات را به عملکرد متوسط کل کاندیداهای یک حزب وابسته می‌سازد. در چنین ساختاری، سیاستمداران انگیزه خواهند داشت از سیاست‌هایی چون کالاهای عمومی همگانی و یا برنامه‌های توزیعی عام‌المنفعه که به گروه وسیع‌تری از افراد جامعه فایده می‌رساند، حمایت کنند (ملک‌الساداتی و دیگران، ۱۳۹۲).

علاوه بر این، به نظر می‌رسد نظام انتخاباتی اکثریتی مبتنی بر حوزه‌های جغرافیایی به سبب تدارک برنامه‌هایی که از آن به‌خاصه خرجی (پروژه‌های عام‌المنفعی که به یک منطقه نفع می‌رساند اما کل رای‌دهندگان کشور باید هزینه‌اش را پردازند) یاد می‌شود، سبب پیشی گرفتن هزینه‌های اجتماعی از منافع اجتماعی شده و این پروژه‌ها از آنجا که سبب منافع سیاسی زیادی برای نمایندگان آن حوزه جغرافیایی هستند معمولاً بدون در نظر گرفتن منافع اقتصادی آن برای کل کشور و بالاتر از سطح کارای اقتصادی آن تأمین مالی شده (درازن، ۱۳۹۰، ص ۴۶۸) و با خرید و فروش رای (یا نان به هم قرض دادن) نمایندگان برای گنجاندن پروژه‌های مورد نظر در بودجه، سبب افزایش زیاد هزینه‌های بودجه عمومی می‌شوند (درازن، ۱۳۹۰، ص ۴۷۳).

نکته اینکه درباره اثرات نظام سیاسی بر صندوق‌های نفتی می‌توان گفت: هر نظام سیاسی که بتواند رقابت مخرب در مورد مصرف سریع درآمدهای نفتی را کاهش دهد به عملکرد موفق صندوق‌های نفتی کمک می‌کند. به عبارت دیگر، «عوامل اصلی تعیین‌کننده موفقیت صادرکنندگان مواد معدنی احتمالاً کمتر فنی و بیشتر به اقتصاد سیاسی مدیریت رانت‌ها مربوط باشد» (ایفرت و دیگران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳، ص ۱۵۲).

بنابراین، در این مقاله تلاش می‌شود برای تبیین چرایی عملکردهای متفاوت صندوق‌های نفتی از تحلیل نهادی استفاده می‌کنیم. در سطح دوم تحلیل نهادی<sup>۲</sup>، بخشی از تفاوت در

---

1- Benn Eifert, Alan Gelb and Nils Borje Tallroth

۲- طبقه‌بندی‌های مختلفی از سطوح مختلف واقعیت ارائه شده که در این تحقیق با سرمشق قرار دادن دسته‌بندی ویلیامسون واقعیت اجتماعی در ۴ سطح نهادهای غیررسمی (فرهنگ)، نهادهای رسمی (قانون)، نحوه تدبیر امور (سازماندهی) و عملکردها طبقه‌بندی شده است (ویلیامسون، ۲۰۰۰، ص ۵۹۶-۶۰۰). به منظور تبیین دقیق و کامل چرایی تفاوت عملکردهای صندوق‌های نفتی لازم است سطوح مختلف واقعیت مدنظر قرار گرفته و سهم هر یک از این لایه‌ها نیز لحاظ شود و از تقلیل دادن بار تبیین به سطح یک لایه اجتناب شود (لاوسن (Lawson)، ۱۹۹۸). در این مقاله با اذعان به اهمیت هر یک از سطوح، فقط به سطح دوم می‌پردازیم.

عملکردهای صندوق‌های نفتی به سبب نهادهای رسمی متفاوت آن‌ها است. به عبارت دیگر، از آنجا که عوامل نهادی مختلفی در موفقیت صندوق‌های نفتی تاثیرگذار است (اوزاسکی و دیگران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳) باید بتوان نشان داد که نهاد موردنظر چگونه عملکردها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. البته انتخاب نهاد نیازمند نظریه است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

### ۳- مبانی نظری و مدل مفهومی تاثیر نهادهای سیاسی بر عملکرد صندوق‌های نفتی

درک «سیاست» نقشی بسیار حیاتی در توصیف عملکرد صندوق‌های نفتی دارد. پس برای توصیف عملکردها، علم اقتصاد باید انواع مختلف سیاست‌ها و آرایش‌های اجتماعی را که بر انگیزه‌های اقتصادی اثرگذار هستند، بشناسد. به عبارت دیگر، علم اقتصاد برای درک دقیق‌تر عملکردهای اقتصادی، نیازمند سیاست و فرایندهای سیاسی خواهد بود (عجم اوغلو، راینسون<sup>۲</sup>، ۱۳۹۳).

اما منظور از سیاست چیست؟ لیندبوم<sup>۳</sup> (۱۹۷۷، صص ۱۸-۱۷) سیاست را مبارزه بر سر اقتدار و اختیار تعریف می‌کند. در فرایندی به نام امور سیاسی، کسانی که خواهان اقتدار و اختیار هستند برای به دست آوردن آن مبارزه می‌کنند در حالی که سایرین سعی می‌کنند کسانی را که اقتدار و اختیار دارند، کنترل کنند. مساله قدرت و اختیار فقط زمانی موضوعیت می‌یابد که ناهمگونی منافع وجود دارد، یعنی بین فعالان اقتصادی در جامعه تضاد منافع وجود داشته باشد. هنگامی که هر کدام از اعضای جامعه منافع متضادی دارند، چگونه آن جامعه تصمیمات سیاسی جمعی می‌گیرد که نتایج آن تصمیمات بر کل جامعه تاثیر می‌گذارد؟

امور سیاسی را می‌توان بررسی سازوکارهایی برای تصمیم‌گیری جمعی تصور کرد. نهادهای سیاسی یک جامعه تعیین‌کننده کلیدی در نتایج این منازعه هستند و می‌توانند مشخص کنند که یک دولت چگونه انتخاب شود و کدام بخش‌هایی از دولت حق انجام چه کاری را برعهده خواهند داشت.

---

1- Ossowaski and others

2- Acemoglu, Daron and James A. Robinson

3- Lindblom



### ۳-۱- فروض رفتاری مدل

در این مدل، کنشگران چه به صورت مردم به عنوان رای‌دهندگان و یا چه به صورت سیاست‌مداران (حاکم و رقیب) در قوای حکومتی طبق فروض رفتاری زیر به حداکثر کردن منفعت شخصی<sup>۱</sup> خود مشغول هستند: تحت هدایت انگیزه‌های ناشی از ساختار نهادی، دارای اطلاعات ناقص، تحلیل‌کننده اطلاعات با مدل‌های ذهنی متفاوت، دارای عقلانیت محدود، تحت تأثیر نهادهای غیررسمی و تحت تأثیر نهادهای رسمی.

ذی‌نفعان صندوق‌های نفتی را (که طبق فروض رفتاری مدل عمل می‌کنند) حداقل می‌توان در چهار گروه مطالعه کرد: الف- قوه مجریه، ب- قوه مقننه، ج- تشکلهای بخش غیردولتی (خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی) و د- رای‌دهندگان.

از آنجا که عملکرد صندوق نفتی ایران، نشان می‌دهد<sup>۲</sup> بخش غیردولتی سهم ناچیزی از منابع صندوق را به خود اختصاص داده، مطالعه این گروه از ذی‌نفعان همچنین رای‌دهندگان به تحقیقات دیگر واگذار شده و به بررسی دو گروه اول (قوه مجریه و مقننه) می‌پردازیم. در ادامه، مهم‌ترین نهادهای سیاسی تأثیرگذار بر سیاستمدارها چه در قوه مجریه چه در قوه مقننه معرفی می‌شوند.

### ۳-۲- نظام انتخاب سیاستمداران (مبتنی بر انگیزه‌های بلندمدت یا کوتاه‌مدت)

به نظر می‌رسد در این مدل، نظام به قدرت رسیدن سیاستمداران مهم‌ترین نهادی است که به ما در فهم چرایی عملکرد صندوق نفتی کمک می‌کند، زیرا طبق فروض رفتاری مدل، هر سیاستمدار برای پیشینه کردن منافع شخصی خود تلاش می‌کند. اگر این سیاستمدار در یک دموکراسی کامل فعالیت کند، تامین منافع شخصی او با تامین منافع حزب<sup>۳</sup> گره خواهد خورد و در نتیجه تصمیمات اتخاذ شده مبتنی بر منافع بلندمدت حزب خواهد بود.

---

۱- منظور از نفع شخصی این است که انسان در رفتار خود خواسته‌های نامحدود خود را پیگیری می‌کند (ویلیامسون، Williamson ۱۹۸۵، ص ۴۷).

۲- هادی زنوز و پیله‌فروش (۱۳۹۳)، مهدویان (۱۳۸۵) و گزارش هیات نظارت بر صندوق توسعه ملی (۱۳۹۴)

۳- منظور از حزب سیاسی، گروهی از افراد است که فقط برای دسترسی به درآمد، اعتبار اجتماعی و قدرت حاصل از قرار گرفتن در صدر امور دولتی، می‌خواهد به مقامات دولتی بالاتر دست یابد (دوانز، ۱۳۸۴ (۱۹۵۷)).

اگر این سیاستمدار در یک حکومت استبدادی پدرمآب فعالیت کند، تامین منافع شخصی او با تامین منافع خاندان گره خواهد خورد و در نتیجه تصمیمات اتخاذ شده مبتنی بر منافع بلندمدت خاندان خواهد بود.

اگر این سیاستمدار در یک دموکراسی ناقص فعالیت کند، تامین منافع شخصی او فقط با تلاش برای کسب آراء لازم برای برنده شدن در انتخابات تامین خواهد شد و او ناگزیر سیاست‌هایی را برمی‌گزیند که در فاصله باقی مانده تا انتخابات بعدی برای او رای‌آوری داشته و به سمت تصمیمات کوتاه‌مدت سوق داده می‌شود.

رابطه بین زمان عمر دولت‌ها و مخارج آن‌ها نشان می‌دهد میانگین مدت دوام دولت، تاثیر معناداری بر انباشت بدهی دارد به طوری که هر اندازه تعداد دفعات تغییر دولت بیشتر باشد، نسبت کسری بودجه به GNP (تولید ناخالص ملی) بالاتر است (درازن، ۱۳۹۰، ص ۴۱۹). مطالعات همچنین نشان می‌دهد حزب در قدرت اگر معتقد باشد این احتمال وجود دارد که از قدرت کنار گذاشته خواهد شد، همیشه بدهی منتشر خواهد کرد و بیش از اندازه خرج می‌کند (درازن، ۱۳۹۰، ص ۴۳۰). به عبارت دیگر، عدم قطعیت سیاسی دولت‌ها سبب کوتاه‌شدن افق تصمیم‌گیری شده و آن‌ها را به سمت سیاست‌هایی که برون‌داد آن در کوتاه‌مدت قابل دستیابی است (از جمله هزینه کردن سریع منابع نفتی)، سوق می‌دهد.

### ۳-۳- نهادهای تاثیرگذار در قوه مجریه

برای بررسی دقیق‌تر قوه مجریه، آن را به دو گروه سیاستمدارها و بروکرات‌ها تقسیم می‌کنیم.

**الف- نهادهای تاثیرگذار بر سیاستمداران حاکم بر دولت؛ نظام سیاسی پارلمانی یا ریاستی**  
نوع نظام سیاسی، تفکیک افقی و عمودی دولت و یا همان تفکیک قوای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضائیه را مشخص می‌کند. دو نوع اصلی رژیم‌های دموکراتیک شامل سیستم‌های پارلمانی و ریاست جمهوری است (رولاند<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴).

مطالعات نشان می‌دهد در رژیم‌های ریاست جمهوری مخارج دولت بیش از ۱۰ درصد از مخارج دولت در رژیم‌های پارلمانی کم‌تر است (رولاند، ۲۰۱۴). حتی زمانی GDP

---

1- Roland

سراجه و سایر متغیرهایی که ممکن است بر اندازه دولت‌ها اثرگذار باشد را به عنوان متغیر کنترل در نظر گرفته می‌شود، درمی‌یابیم که مخارج دولت در رژیم‌های پارلمانی در مقایسه با رژیم‌های ریاست جمهوری حداقل ۵ واحد درصد بیشتر است. نتیجه مشابهی برای مخارج رفاهی و تامین اجتماعی نیز به دست آمده است. رژیم‌های پارلمانی بیش از ۲ برابر بیشتر از رژیم‌های ریاست جمهوری در طرح‌های رفاه اجتماعی هزینه می‌کنند (پرسون و تابلینی، ۲۰۰۳).

درباره مکانیسم تأثیرگذاری دولت بر عملکرد صندوق‌های نفتی می‌توان گفت که سیاست‌ها و برون‌دادهای اقتصادی پیش از انتخابات، حاصل اشتیاق سیاستمدار بر مسند قدرت برای دست کاری اقتصادی است تا احتمال انتخاب مجدد خود را افزایش دهد. در نتیجه روسای قوه مجریه در نظام‌هایی که افق کوتاه‌مدت داشته، تلاش می‌کنند تا با برداشت حداکثری از منابع در اختیار رضایت رای‌دهندگان را جلب کنند. البته این نوع نگاه به سیاستمداران مبتنی بر نظریه سیاستمدار به منزله حداکثرکننده رای است که تلاش می‌کند قبل از انتخابات وعده‌هایی بدهد (ویا اگر در مسند است، اقداماتی انجام دهد) که مطابق نظر اکثریت رای‌دهندگان است.<sup>۱</sup>

#### تعهد سیاستمداران به قوانین و برنامه‌ها

نکته بعد توجه به سازوکارهایی است که به کمک آن‌ها سیاست‌گذار، خویشان را متعهد به سیاستی مطلوب می‌سازد. این موضوع یکی از مهم‌ترین مولفه‌های نهادی در تقویت عملکرد صندوق‌های نفتی است. به بیان دیگر، چگونه محیط سیاست‌گذاری می‌تواند سیاست‌ها را مطلوب و معتبر سازد، یعنی چگونه نهادها این باور را تقویت می‌کنند که سیاست‌های اعلام شده (از جمله انباشت منابع در صندوق‌های نفتی) اجرا خواهند شد. به هر حال اگر دولت یکی از طرفین قرارداد باشد، مشکل تعهد جدی است، زیرا هیچ شخص ثالثی وجود ندارد که بتواند پایبندی دولت نسبت به تعهداتش به شهروندان را تضمین کند (مومنی و زمانی، ۱۳۹۲).

---

۱- به این دسته، سیاستمداران «مقام‌جو» یا فرصت‌طلب، یعنی کسانی که فقط می‌خواهند در انتخابات پیروز شوند نیز گفته می‌شود.

در حکومت‌های استبدادی هیچ‌گونه الزامی جهت تعهد دولت به شهروندان برای عمل به وعده‌ها و برنامه‌ها وجود ندارد. تنها راه ایجاد تعهد در حکومت استبدادی، شهرت و اعتبار است. اما در دموکراسی، دو اصل حاکمیت قانون و تفکیک قدرت بین قوای مختلف حاکمیت به حل مساله تعهد کمک می‌کند (رولاند، ۲۰۱۴). به عبارت دیگر، قانون محکم و تفکیک قوا می‌تواند توانایی دولت به متعهد شدن را ارتقا دهد (درازن، ۱۳۹۰، ص ۲۰۵).

علاوه بر این، به نظر می‌رسد یک سیاست این‌گونه اعتبار می‌یابد که سیاست‌گذاری که سرگرم ساختن وجهه است، این انتظار را ایجاد می‌کند که سیاست‌های معینی در آینده بر اساس اقداماتی که در گذشته مشاهده شده است، دنبال خواهد شد. لازمه این کار، برقراری تعاملات مکرر و رقابت‌های سیاسی مداوم در چارچوب نهادی مشخص است و با حفظ تکرار تعاملات سیاسی می‌توان اعتبار سیاست‌ها (از جمله، سیاست انباشت منابع نفتی) را افزایش داد.

در مقابل، محیطی که سیاست‌گذار خودش را در آن می‌یابد در پابندی به تعهدات بسیار اهمیت دارد. اگر محیط خواهان نقض یک سیاستی که از پیش از جانب سیاستمدار اعلام شده است (مثلاً تشکیل صندوق نفتی) باشد، زیر پا گذاشتن قول لزوماً به وجهه آسیب نمی‌رساند (درازن، ۱۳۹۰، ص ۲۸۸) و سیاستمدار رای خواه تمایل چندانی به انجام وعده خود نخواهد داشت. در نتیجه پابندی تعهد به هر سیاست مستلزم همراهی اکثریت رای‌دهندگان با آن سیاست است.

#### اختیار درباره تخصیص‌های صلاحیدی

به نظر می‌رسد در یک نظام ریاستی در دموکراسی ناقص امکان دست‌اندازی به منابع صندوق نفتی و تخصیص‌های صلاحیدی منابع آن، بیشتر است. این ادعا مطابق شواهد مطالعه باگاتینی<sup>۱</sup> است. باگاتینی (۲۰۱۱) در تحقیق خود ۵ متغیر سیاسی را برای توضیح موفقیت صندوق‌های نفتی برمی‌گزیند؛ سه متغیر اول که اثرات مثبتی بر عملکرد صندوق‌ها داشته‌اند: تخصیص منابع صندوق به مصارف خاص، کارایی دولت (نماینده‌ای برای خدمات مدنی مستقل که نشان‌دهنده توانایی جامعه برای شفاف و پاسخگو نگه داشتن

دولت‌هاست) و شاخص پولیتی (نماینده‌ای برای محدودیت برداشت‌های صلاح‌دیدی از منابع صندوق که مانع قبضه‌شدن صندوق توسط سیاستمداران می‌شود). دو متغیر بعدی اثرات منفی بر موفقیت صندوق‌ها داشته‌اند: تغییر سریع نظام اجرایی و رقابت سیاسی.

تغییرات کامل در دولت می‌تواند سبب تغییر اهداف به گونه‌ای شود که عملیات صندوق مخدوش و یا حتی تعطیل شود، اما باگاتینی اثر منفی رقابت سیاسی بیشتر بر عملکرد صندوق‌ها را مغایر آموزه‌های ادبیات تئوریک که انتظار دارد مشارکت سیاسی سبب پاسخگویی بیشتر و در نتیجه عملکرد بهتر صندوق‌ها شود، دانسته و متعجبانه می‌نویسد: «نتایج مدل نشان می‌دهد فرایندهای انتخابی منظم و باز (که سبب انتخابات رقابتی می‌شود) می‌تواند اثرات مخربی بر موفقیت صندوق‌های تثبیتی داشته باشد.» او مشاهده خود را این گونه توجیه می‌کند: «مشارکت سیاسی بیشتر به معنای ذی‌نفعان و گروه‌های فشار بیشتر است که صندوق‌های تثبیت را به چالش می‌کشند. دولتی که اکثریت ضعیفی داشته یا بقای آن وابسته به ائتلاف ضعیفی با حزب دیگر است، ممکن است با فشار زیادی برای استفاده از منابع محدود انباشته شده برای اهداف سیاسی مواجه شود (به عنوان مثال، ونزوئلا و اکوادور)» (باگاتینی، ۲۰۱۱، ص ۳۵).

هرچند باگاتینی نمی‌تواند مبنایی نظری برای یافته‌های خود بیان کند، اما در این مقاله سعی می‌شود تفاوت دموکراسی‌ها نشان داده شده و همانطور که در مثال‌های باگاتینی آمده است، ونزوئلا و اکوادور هر دو مصداقی از دموکراسی‌های ناقص هستند که در آن‌ها نمی‌توان تصمیمات بلندمدت اتخاذ کرد و صرف برگزاری انتخابات و تشکیل مجالس و دولت‌ها با رای مردم بدون وجود نهادهای ثبات بخش و دارای افق زمانی بلندمدت فقط سبب گسترش هزینه‌های عمومی و تلاش برای برداشت بیشتر از منابع بین نسلی خواهد شد. ناتوانی دموکراسی‌های ناقص در شکل‌دهی افق بلندمدت و سوق دادن سیاستمداران به تصمیمات کوتاه‌مدت یکی دیگر از فرضیه‌های مقاله است. در واقع، رقابت سیاسی بیشتر در دموکراسی‌های ناقص می‌تواند موفقیت صندوق‌های نفتی را مخدوش کند، چراکه در دموکراسی‌های ناقص نمی‌توان تصمیمات بلندمدت اتخاذ کرده و ثبات سیاسی موضوعی متفاوت از رقابت سیاسی است. ثبات سیاسی ناشی از نظام‌های حزبی کارا، می‌تواند

انگیزه‌های هزینه کردن سریع منابع نفتی را به منظور منافع (شخصی/سیاسی) کوتاه‌مدت کاهش داده و می‌تواند افقی بلندمدت در برابر صندوق‌ها قرار دهد.

#### ب- نهادهای تاثیرگذار بر بروکرات‌های حاکم بر دولت

سوال مهم درباره بروکراسی این است که ابعاد بخش عمومی تا چه اندازه منعکس کننده خواست و ترجیحات بروکرات‌ها و تا چه حد برخواسته از اراده مردم، سیاستمداران یا گروه‌های فشار است؟ نیسکانن<sup>۱</sup> (۱۹۷۱) براساس مدل مبتنی بر دو فرض بیان می‌کند: اول، مدیران دستگاه‌های دولتی مایلند بودجه آن‌ها تا حد امکان افزایش یابد، زیرا وجهه اجتماعی، قدرت و امکانات رفاهی ارتباطی مستقیم با حجم بودجه‌ای دارد که در اختیار یک مدیر قرار می‌گیرد. دوم، سازمان‌های بروکراتیک به عنوان عرضه کننده انحصاری کالاهای عمومی این قدرت را دارند که بودجه بیش از مقدار بهینه را تصاحب کنند (بوکانان<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷، ص ۲۳۱-۱۹۹).

جی ال میگو<sup>۳</sup> و ژرارد بلانجر<sup>۴</sup> خاطرنشان ساختند که با وجود نظر نیسکانن، یک مدیر یا رییس دولتی نمی‌تواند هم‌زمان تمام اهداف مطلوب خود در زمینه بودجه دنبال کند. در شرایط حدی باید از میان اهداف دست به انتخاب بزند و مدیری که علاوه بر بودجه به یکی دیگر از اهداف علاقه‌مند باشد، آن گونه که نیسکانن در الگوی خود شرح داده بود، رفتار نخواهد کرد. برای بروکرات‌ها ساده‌تر است که سیاستمداران مافوق خود را با افزودن بر هزینه‌های خود فریب بدهند تا اینکه سعی کنند عملاً با حداقل هزینه تولید کرده و بودجه اضافی را تصاحب کنند و آنگاه سعی کنند اطلاعات غلطی را به سیاستمداران گزارش دهند (وینتروب<sup>۵</sup>، ۱۹۹۷، ص ۲۳۸).

علاوه بر این، بروکرات‌ها می‌توانند با دخالت در تنظیم دستور کار کمیسیون‌های پارلمان همواره تصمیمات را به سمت حداکثر کردن بودجه‌های سازمان خود سوق دهند (وینتروب، ۱۹۹۷، به نقل از مک‌کی و ویرر<sup>۶</sup> و رومر و روزنتال<sup>۱</sup>، ۱۹۷۹).

---

1- William Niskanen  
2- Buchanan  
3- J.L. Migue  
4- Gerard Belanger  
5- Wintrobe  
6- Mckay and Wearer

### ۳-۴- نهادهای تاثیرگذار در قوه مقننه

#### نظام انتخاباتی

نظام انتخاباتی نحوه مبادله شهروندان با سیاستمداران و روابط سیاستمداران با یکدیگر را تعیین می‌کند. مهم‌ترین جزء این نظام، سازوکاری است که در آن آرای دریافت شده و در انتخابات تبدیل به کرسی‌های نمایندگی می‌شود و معمولاً به دو شکل اصلی وجود دارد: نظام‌های اکثریتی<sup>۲</sup> (یعنی نخستین کسی که در مقایسه با دیگران آرای بیشتری را اخذ کند، پیروز انتخابات خواهد بود)، نظام‌های تناسبی<sup>۳</sup> (هر یک از احزاب سیاسی به تناسب میزان آرای خود می‌توانند کرسی‌ها را کسب کنند) (لاندر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵). مطالعات نشان می‌دهد کشورهای با انتخابات‌های تناسبی مخارج رفاه اجتماعی بیشتری نسبت به کشورهای با انتخابات‌های اکثریت‌گرا دارند (پرسون و تابلینی، ۲۰۰۳).

تحت انتخابات اکثریت‌گرا، سیاستمداران توجه بیشتری به آن دسته از خدمات عمومی محلی می‌کنند که تنها منافع رای‌دهندگان حوزه انتخابیه‌ای که در برنده شدن در انتخابات نقش دارند، تضمین می‌کند. در حالی که تحت انتخابات تناسبی، سیاستمداران توجه بیشتری به خدماتی که به حداکثر تعداد رای‌دهندگان ممکن را منتفع می‌کند، دارند. در نتیجه مخارج مربوط به رفاه اجتماعی در انتخابات‌های تناسبی بالاتر است. سیاستمداران در سیستم‌های اکثریت‌گرا، انگیزه کمتری برای هزینه کردن در برنامه‌های رفاه اجتماعی که یک حوزه انتخابیه خاص را هدف‌گذاری نکرده‌اند، خواهند داشت.

#### قواعد رای‌گیری در پارلمان

به طور کلی دو قاعده برای چگونگی اتخاذ تصمیمات در پارلمان وجود دارد که هر کدام اثر متفاوتی بر تصمیمات دارد؛ قاعده بسته: هیچ اصلاحی نمی‌تواند درباره پیشنهاد مطرح انجام داد و یا باید پذیرفته و یا رد شود و قاعده باز: می‌توان پیشنهاد را قبول یا اصلاح کند (درازن، ۱۳۹۰، ص ۱۲۵).

علاوه بر این، اولسن نشان می‌دهد اعضای قوه مقننه اغلب به مبادله رای با یکدیگر می‌پردازند. یک نماینده مجلس، چنانچه رفتاری عقلایی داشته باشد در مواجهه با رای‌گیری

1- Romer and Rosenthal

2- Majority Systems

3- Proportional Systems

4- Lundell

درباره موضوعی که برای ساکنان حوزه انتخابیه وی بی‌اهمیت و علی‌السویه است، سعی خواهد کرد رای خود را در این زمینه با رای مثبت دیگر نماینده‌ها درباره موضوعی که برای وی و ساکن حوزه انتخابیه اش بسیار مهم است، مبادله کند (اولسن، ۱۳۸۴، ۱۹۹۷)، ص ۲۷۶). به عبارت دیگر، در پارلمان نمایندگان به مبادله رای یا خرید و فروش رای اقدام می‌کنند. تبادل رای بین نمایندگان حوزه‌های مختلف می‌تواند رفاه مردم هر دو حوزه را افزایش دهد (که البته می‌تواند منجر به افزایش هزینه‌های عمومی شود).

گوردون تالوک (۱۹۵۹) نشان داد که یک سلسله متوالی از رای‌گیری‌های مبتنی بر اکثریت برای طرح‌های گوناگون مخارج عمومی، می‌تواند منجر به افزایش بسیار بالاتر از مقدار بهینه بودجه عمومی شود. علاوه بر این، سیاستمداری که این مبادله را انجام داده است، محبوبیت بیشتری در بین مردم حوزه انتخابیه‌اش کسب خواهد کرد (رمزی، ۱۹۹۵، ص ۱۶۴).

نکته بعدی درباره قواعد رای‌گیری اینکه آرای نمایندگان مجالس فقط بازتاب یک سری قواعد نهادی است که معضل دور تسلسل رای‌گیری را حل می‌کند. نتیجه هر تصمیم جمعی و رای‌گیری به این بستگی دارد که رای‌گیری در کجا متوقف شود. این نیز به نوبه خود بستگی به ترتیب زمانی مطرح شدن اقلام دستور جلسه و مقررات داخلی تصمیم‌گیری خواهد داشت (تمدن جهرمی، ۱۳۸۹).

در نتیجه اگر قواعد رای‌گیری در مجلس به نمایندگان امکان افزایش هزینه‌ها و یا برداشت از صندوق‌های نفتی به منظور مصارف مختلف را بدهد و نظام انتخاب نمایندگان نیز مقوم انگیزه‌های کوتاه‌مدت در آن‌ها باشد، انگیزه‌ای برای انباشت منابع نفتی وجود نداشته و سازوکار صندوق‌های نفتی شکست خواهد خورد.

#### ۴- مروری بر عملکرد صندوق‌های نفتی<sup>۱</sup>

سطحی‌ترین لایه‌ی قابل مشاهده برای تحلیل پدیده‌ها با بررسی عملکردها آغاز می‌شود. برای رده‌بندی صندوق‌ها و امکان مقایسه آن‌ها با یکدیگر، شاخص‌هایی لازم

---

۱- از آنجا که عملکرد صندوق‌های نفتی در سطح چهارم تحلی نهادی قرار گرفته و در حیطه این مقاله نیست به طور مبسوط به آن پرداخته نشد.



است<sup>۱</sup>. برخی موسسات بین‌المللی از جمله موسسه صندوق‌های ثروت ملی (SWFI) که سازمانی جهانی به منظور مطالعه و بررسی صندوق‌های ثروت ملی است هر ساله با بررسی صندوق‌های ثروت ملی کشورهای مختلف گزارش‌هایی را در خصوص رتبه‌بندی آن‌ها منتشر می‌کند. شاخصی که این موسسه برای رتبه‌بندی صندوق‌ها به کار می‌برد، شاخصی با عنوان لینابورگ - مادوئل<sup>۲</sup> است. این شاخص روشی برای رتبه‌بندی شفافیت صندوق‌های ثروت ملی است صندوق‌ها به ازای داشتن هر یک از این اصول، یک امتیاز کسب می‌کنند و صندوقی که بتواند تمام ده اصل را دارا باشد، شفاف‌ترین صندوق خواهد بود و کمترین امتیاز نیز نشان‌دهنده شفافیت پایین است. طبق این شاخص، وضعیت شفافیت صندوق‌های مورد مطالعه این تحقیق به شرح جدول (۱) است.

جدول (۱): شفافیت صندوق‌های نفتی نروژ، عربستان و ایران

کشور	نام صندوق	امتیاز سال ۲۰۱۲	امتیاز سال ۲۰۱۴	امتیاز فصل اول ۲۰۱۷
نروژ	صندوق بازنشستگی دولت - جهانی	۱۰	۱۰	۱۰
عربستان سعودی	سما	۴	۴	۴
ایران	حساب ذخیره ارزی صندوق توسعه ملی	۱	-	-
		-	۵	۵

منبع: SWFI، ۲۰۱۷

علاوه بر این، RGI<sup>۳</sup> شاخصی برای سنجش شفافیت و پاسخگویی بخش نفت، گاز و معادن است. این شاخص، کشورها را بر اساس پرسشنامه‌ای که توسط پژوهشگران و

۱- باگاتینی (۲۰۱۱) معتقد است برای اندازه‌گیری اثربخشی صندوق‌های تثبیتی لازم است اثر آن‌ها در سه زمینه ارزیابی شود. در بخش درآمدی، صندوق باید برای دولت انگیزه‌ای ایجاد کند تا با فعال‌سازی درآمدهای غیرنفتی از پایداری بلندمدت بودجه مطمئن شود. در بخش هزینه‌ای، صندوق تثبیتی کارا، نرم‌های ایجاد خواهد کرد تا سیاست‌گذاران از تصرف منابع صندوق برای تامین مالی افزایش زیاد هزینه‌ها اجتناب کنند و در آخر، صندوق تثبیتی موفق باید بتواند منابع انباشته شده خود را در پرتفولیوی متنوعی سرمایه‌گذاری کرده تا منافع نسل‌های آتی را با ایجاد ثروت جدید از منابع تجدیدناپذیر، تضمین کند.

2- Linaburg- Maduell

3- Resource Governance Index

۲۷۰ فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال هفدهم، شماره ۶۷، زمستان ۱۳۹۶

نخبگان بخش منابع اکتشافی تکمیل می‌شود طبقه‌بندی می‌کند. جدول (۲) رتبه سه کشور ایران، نروژ و عربستان را بر اساس شاخص اشاره شده نشان می‌دهد.

جدول (۲): رتبه بندی کشورها براساس RGI

کشور	رتبه در ۲۰۱۴	رتبه در ۲۰۱۷
نروژ	۱	۱
ایران	۵۳	۶۲
عربستان سعودی	۴۸	۶۹

ماخذ: NRG I، ۲۰۱۷

علاوه بر این، طبق اطلاعات منتشر شده در دوره زمانی ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۰ حدود ۱۷۰ میلیارد دلار به حساب ذخیره ارزی ایران واریز و حدود ۱۶۹ میلیارد دلار نیز برداشت شده است. در مجموع مصارف، حدود ۱۸ میلیارد دلار تسهیلات به بخش‌های غیردولتی (شامل بخش‌های شبه‌دولتی) پرداخت شده و مابقی (۱۵۱ میلیارد دلار) توسط دولت چه در قالب بودجه عمومی و چه در خارج بودجه عمومی هزینه شده است (برگرفته از گزارش‌های دیوان محاسبات ۱۳۹۰ و گزارش تحقیق و تفحص از عملکرد برنامه چهارم توسعه، ۱۳۹۰). به عبارت دیگر، حدود ۹۰ درصد منابع حساب ذخیره ارزی توسط دولت هزینه شد که برخلاف هدف صندوق مبنی بر سامانه‌ای ثبات بخش برای اقتصاد ایران با دو وظیفه «ثبات بخشی به بودجه در مواقع کاهش درآمدهای نفتی و جلوگیری از آسیب‌رساندن شوک‌های نفتی به تعادل اقتصاد کشور» و «پس‌انداز بخشی از درآمد حاصل از نفت برای نسل‌های آینده با تبدیل درآمدهای نفتی به سرمایه‌گذاری مولد»، بود.

هرچند با توجه به نقاط ضعف حساب ذخیره ارزی، اساسنامه مفصلی برای صندوق توسعه ملی طراحی و تصریح شد، استفاده از منابع صندوق برای اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و بازپرداخت بدهی‌های دولت به هر شکل ممنوع است. اما استفاده دولت از منابع صندوق بلافاصله پس از ایجاد آن آغاز شد<sup>۱</sup>. عملکرد صندوق توسعه ملی تا

۱- گزارش‌های شماره ۱۲۸۷۱، ۲۳۰، ۱۲۲۴۶، ۱۴۷۳۸ و ۱۴۰۸۷ مرکز پژوهش‌های مجلس. همچنین، طبق گزارش هیات نظارت بر صندوق توسعه ملی، صندوق در سال‌های ۱۳۹۰ تا پایان شهریور ۱۳۹۴ در مجموع ۱۶/۸۵ میلیارد دلار

پایان سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد، از حدود ۳۵ میلیارد دلار تسهیلات ارزی تصویب شده (اعلام وصل شده) تا پایان سال ۱۳۹۵، فقط ۱۰ میلیارد دلار پرداخت قطعی انجام شده که با توجه به ۶ سال عمر صندوق توسعه ملی، میانگین پرداختی سال حدود ۱/۶ میلیارد دلار است (صندوق توسعه ملی، ۱۳۹۶).

درباره ترکیب طرح‌های پذیرفته شده نیز، می‌توان گفت، در مجموع، بیش از ۴۲ درصد از طرح‌های پذیرفته شده متعلق به نهادهای عمومی غیر دولتی است (همان). این در حالی است که طبق جزء (۴) بند (د) اساسنامه صندوق، مجموع تسهیلات اختصاص یافته از منابع صندوق با عاملیت بانک‌ها به مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی (مانند شهرداری‌ها، تامین اجتماعی، بنیادها و ...) و شرکتهای تابعه و وابسته در هر حال نباید بیش از بیست درصد (۲۰٪) منابع صندوق باشد.

همچنین در تا پایان سال ۱۳۹۵، صندوق توسعه ملی جمعاً مبلغ ۲۱۱,۳۴۳ میلیارد ریال با تعداد ۱۹ بانک عامل دولتی و خصوصی قرارداد عاملیت ریالی منعقد نموده که از این مبلغ جمعاً ۱۱۸,۸۳۹ میلیارد ریال به طرح‌ها و پروژه‌های معرفی شده از طرف بانک‌های عامل، اختصاص یافته است (همان).

## ۵- گردآوری داده‌ها و تحلیل نتایج

طبق مدل مفهومی این مقاله، متغیر وابسته عبارت است از «عملکرد صندوق‌های نفتی» و متغیرهای توضیح‌دهنده شامل نهادهای حاکم بر ذی‌نفعان صندوق نفتی به این شرح است: نظام انتخاب سیاستمداران (مبتنی بر انگیزه‌های بلندمدت یا کوتاه‌مدت)، نظام سیاسی (پارلمانی یا ریاستی)، انگیزه‌های بروکرات‌ها، نظام انتخابات مجلس (اکثرتی یا تناسبی) و قواعد رای‌گیری در پارلمان.

---

تسهیلات ارزی و ریالی پرداخت کرده است که حدود ۱۰/۴ میلیارد دلار آن به بخش دولتی (۶۱/۵ درصد) و ۶/۴۵ میلیارد دلار آن به بخش خصوصی و تعاونی (۳۸/۵ درصد) بوده است. همچنین از مجموع ۱۶/۸۵ میلیارد دلار تسهیلات پرداختی ۱۲/۹۵ میلیارد دلار آن ارزی و ۳/۹۰ میلیارد دلار آن به صورت ریالی بوده است. در ضمن از حدود ۱۲/۹۵ میلیارد دلار تسهیلات ارزی ۸/۱۶ میلیارد دلار آن به دولت تعلق گرفته و ۴/۷۹ میلیارد دلار به سایر بخش‌ها پرداخت شده است.

#### ۵-۱- انتخاب کشورها برای مقایسه نهادهای سیاسی

ایفرت و دیگران (۲۰۰۳) کشورهای صادرکننده نفت را به پنج گروه دموکراسی کامل، دموکراسی ناقص، حکومت‌های استبدادی پدرمآب، حکومت‌های استبدادی اصلاح‌طلب و حکومت‌های استبدادی غارتگر تقسیم می‌کنند.<sup>۱</sup> این کشورها تفاوت کیفی در مواردی چون: ثبات چارچوب سیاسی و نظام‌های حزبی، درجه توافق اجتماعی، میزان مشروعیت قدرت و روش‌هایی که به وسیله آن دولت‌ها حمایت عمومی را کسب و حفظ می‌کنند و نقش نهادهای دولتی در تشکیل زیربنای بازارها و توزیع رانت‌ها دارند.

در این مقاله برای تبیین مساله محوری تحقیق، سه کشور مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ نروژ که به طور پیوسته بالاترین رتبه را در شاخص دموکراسی داشته به عنوان یک دموکراسی پایدار (دموکراسی کامل)، ایران که روندی پرنوسان در شاخص دموکراسی داشته به عنوان یک دموکراسی پرنوسان (دموکراسی ناقص) و عربستان که به طور پیوسته پایین‌ترین رتبه در شاخص دموکراسی داشته به عنوان یک حکومت پادشاهی (استبدادی پدرمآب).

شاخص پولیتی تاییدی بر این انتخاب است. شاخص سالانه پولیتی برای ۱۶۷ کشور به طور پیوسته از سال ۱۹۴۶ محاسبه شده است. ویرایش ۴ شاخص پولیتی اتفاقات مهم سیاسی شامل سرنگونی حکومت‌های استبدادی، کودتاها، انقلاب‌ها و فروپاشی حکومت‌های مرکزی را نمایش می‌دهد. مقدار شاخص پولیتی برای یک دموکراسی تمام‌عیار، ۱۰+ و برای استبداد کامل، ۱۰- خواهد بود. نروژ با امتیاز ۱۰+ بالاترین و عربستان با ۱۰- کمترین مقدار شاخص پولیتی را از سال ۱۹۴۶ دارا هستند. ایران در شاخص پولیتی روندی پرنوسان بین ۱۰- و ۳+ دارد.<sup>۲</sup>

ویژگی دموکراسی‌های کامل، توان آن‌ها در رسیدن به وفاق اجتماعی پیرامون چگونگی استفاده از رانت‌ها طی یک افق زمانی بلندمدت است که خود به سبب رای‌دهندگان تحصیلکرده، صبور و پیگیر و شفافیت و تعیین خط‌مشی سیاسی توسط تعداد محدودی از

---

۱- آندریان (Andrian, 1998) براتون و فن وال (Bratton and Van de Walle, 1994) و لفت ویچ

(Leftwich, 1995) طبقه‌بندی‌های مختلفی از حکومت‌ها ارائه داده‌اند.

احزاب حاصل شده است. یک چنین ثبات سیاسی، تقویت‌کننده رفتار در افق زمانی بلندمدت است، زیرا اعتبار حزب و عملکرد آن کانون رقابت برای کسب قدرت سیاسی است. در دموکراسی‌های ناقص، احزاب سیاسی اغلب ضعیف بوده و بیشتر گرداگرد رهبران کاریزماتیک شکل گرفته‌اند. رقابت‌های کوتاه‌نگرانه و چرخه‌های سیاسی کوتاه برای قدرت و منابع دولت باعث نظام‌های سیاسی بی‌ثبات و افق زمانی کوتاه‌مدت و سازوکارهای غیرشفاف توزیع رانت شده که رفتار رانت‌جویی را در سراسر دولت و جامعه تشویق می‌کند. حکومت‌های استبدادی پدرمآب هرچند می‌توانند در افق‌های بلندمدت تصمیم بگیرند، اما مقاومت آن‌ها درباره شفافیت و ایجاد مشروعیت با توزیع رانت نفتی سبب افزایش هزینه‌ها، فشار و در نهایت نارضایتی عمومی خواهد شد (ایفرت و دیگران، ۲۰۰۳).

#### ۵-۲- روش گردآوری داده‌ها

پرسشنامه‌ای بر اساس طیف لیکرت (شامل نمره ۱ کمترین تا نمره ۵ بیشترین تاثیر) طراحی و به صورت مصاحبه حضوری با نخبگان تکمیل شد. یافته‌ها با کمک نرم‌افزارهای SPSS و EXCEL تحلیل شد. برای افزایش دقت تحلیل، جامعه آماری در ۵ گروه: الف- مقامات و کارشناسان قوه مجریه، ب- نمایندگان و کارشناسان قوه مقننه، ج- کارشناسان کمیسیون اقتصادی مجمع، د- صاحب نظران دانشگاهی و ه- کارشناسان روابط بین‌الملل، مترجمان و روزنامه‌نگاران، دسته‌بندی و هر گروه نیز به گروه‌های کوچک‌تری تقسیم شد تا نمونه آماری تحقیق از جامعیت کافی برخوردار باشد.

مقامات و کارشناسان قوه مجریه (شامل ۲۹ نفر) به ۷ گروه معاونان اول رییس جمهور، روسای کل بانک مرکزی، روسای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، وزیر امور اقتصادی و دارایی، دبیران هیات امنای حساب ذخیره ارزی، روسای هیات عامل صندوق توسعه ملی و کارشناسان ارشد سازمان برنامه در دولت‌های هفتم تا یازدهم تقسیم و از هر گروه یک نفر (در مجموع ۶ نفر از این گروه مصاحبه شد که نتوانستیم با هیچ کدام از روسای هیات عامل صندوق توسعه ملی مصاحبه کنیم). به طور تصادفی انتخاب شد. نمایندگان و کارشناسان قوه مقننه (شامل ۱۳ نفر) به ۴ گروه روسای کمیسیون تلفیق برنامه، روسای کمیسیون برنامه و بودجه، روسای کمیسیون اقتصادی و مدیران مرکز پژوهش‌های مجلس در مجالس ششم تا نهم تقسیم و از هر گروه یک نفر (و در مجموع ۴ نفر) به طور تصادفی انتخاب شد. از

بین ۴ نفر کارشناس مرتبط با کمیسیون اقتصادی مجمع نیز یک نفر به طور تصادفی انتخاب شد. اساتید دانشگاه (شامل ۶۰ نفر از اساتید مرتبط در ۱۳ دانشگاه و موسسه پژوهشی) در ۱۵ گروه طبقه بندی شده و از هر گروه یک نفر (و در مجموع ۱۵ نفر) به طور تصادفی انتخاب شد. کارشناسان روابط بین الملل، مترجمان و روزنامه نگاران (شامل ۱۶ نفر) به ۴ گروه کارشناسان روابط بین الملل، مترجمان ۱ و مترجمان ۲ و روزنامه نگاران تقسیم و از هر گروه یک نفر (و در مجموع ۴ نفر) به طور تصادفی انتخاب شد. یافته‌های مصاحبه‌ها باید بتواند نشان دهد که مهم‌ترین مولفه‌های موثر بر تفاوت عملکرد صندوق‌های نفتی در ایران نسبت به نروژ و عربستان کدام است<sup>۱</sup>. علاوه بر این، نتایج پرسشنامه‌ها با فرضیه‌های تحقیق مقایسه شده و نتیجه‌گیری می‌شود که آیا فرضیه‌های مقاله را تایید می‌کنند یا خیر. قبل از ارائه نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها ابتدا به بررسی اعتمادپذیری پرسشنامه می‌پردازیم.

#### اعتمادپذیری (پایایی)<sup>۲</sup> و تحلیل واریانس یک طرفه (یک متغیره)<sup>۳</sup>

ضریب آلفای کرونباخ یکی از متداول‌ترین روش‌های اندازه‌گیری اعتمادپذیری یا پایایی پرسشنامه‌هاست. پایایی پرسشنامه برای همه ۳۵ سوال بررسی شد و ضریب آلفا ۰/۷۷۷ به دست آمد. بنابراین، ضریب پایایی و هم‌بستگی درونی پرسش‌ها قابل قبول بوده و پرسشنامه خوب طراحی شده است (جدول (۳)).

جدول (۳): بررسی اعتمادپذیری پرسشنامه

Cronbach's Alpha	N of Items
۰/۷۷۷	۳۵

۱- از آنجا که مصاحبه‌ها حضوری بوده، اطلاعات لازم درباره اقتصاد سیاسی نروژ و عربستان به مصاحبه‌شوندگان منتقل شده است. البته جامعه و نمونه آماری این مقاله متخصص‌ترین افراد این حوزه در ایران بوده و نسبت به ویژگی‌ها و شرایط کشورهای مختلف دارنده صندوق‌های ثروت ملی مطلع بوده‌اند. در ضمن، یکی از محدودیت‌های این تحقیق استفاده از جامعه آماری ایرانی است که در صورت استفاده از نظر کارشناسان نروژی و عربستانی ممکن بود، رتبه‌بندی عوامل اندکی متفاوت باشد.

<sup>۲</sup>- Reliability

<sup>۳</sup>- One-way Analysis of Variance

با تحلیل واریانس یک طرفه معلوم می‌شود که در سطح معناداری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ چه تفاوت معناداری بین گروه‌های پاسخ‌دهنده به سوالات وجود دارد. برای این منظور مقامات و کارشناسان قوه مجریه در یک گروه، نمایندگان و کارشناسان قوه مقننه و کمیسیون اقتصادی مجمع در یک گروه، اساتید دانشگاه در یک گروه و کارشناسان روابط بین‌الملل، مترجمان و روزنامه‌نگاران در گروه دیگر قرار گرفتند. جدول (۴) نشان می‌دهد بیشترین همگرایی نیز در پاسخ به محور چهارم سوالات (Q4) که مربوط به عوامل موثر بر عملکرد بهتر صندوق‌های نفتی در نروژ نسبت به ایران در سطح قانون است، مشاهده می‌شود.<sup>۱</sup>

جدول (۴): تحلیل واریانس یک طرفه ۳ دسته عوامل موثر بر عملکرد صندوق‌ها

		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
Q3	Between Groups	۳۹/۷۰۱	۳	۱۳/۲۳۴	۱/۰۶۵	۰/۳۸۳
	Within Groups	۲۸۵/۹۲۹	۲۳	۱۲/۴۳۲		
	Total	۳۲۵/۶۳۰	۲۶			
Q4	Between Groups	۱۴/۳۶۷	۳	۴/۷۸۹	۰/۲۹۰	۰/۸۳۲
	Within Groups	۳۸۰/۳۰۰	۲۳	۱۶/۵۳۵		
	Total	۳۹۴/۶۶۷	۲۶			
Q5	Between Groups	۷۳/۵۴۰	۳	۲۴/۵۱۳	۲/۳۴۰	۰/۱۰۰
	Within Groups	۲۴۰/۹۷۹	۲۳	۱۰/۴۷۷		
	Total	۳۱۴/۵۱۹	۲۶			

در ادامه به رتبه‌بندی عوامل موثر بر عملکرد صندوق‌ها در سطح قانون می‌پردازیم.

۱- محور اول و دوم سوالات به مقایسه عملکرد حساب ذخیره ارزی در دولت دوم آقای خاتمی و دولت اول آقای احمدی‌نژاد پرداخته که در مقاله دیگری ارائه می‌شود.

۳-۵- مقایسه نهادهای رسمی در قانون بین ایران، نروژ و عربستان سعودی

برای رتبه‌بندی عوامل، روش‌های متنوعی وجود دارد. در این تحقیق از روش آزمون آماری انتروپی شانون<sup>۱</sup> استفاده می‌شود. روش شانون یکی از روش‌های معتبر در تحلیل اطلاعات به منظور رتبه‌بندی عوامل است که از دقت ریاضی بسیار بالایی برخوردار است (مانیان، سهرابی و شادمهری<sup>۲</sup>، ۱۳۹۳). طبق این روش ابتدا داده‌های مربوط به (سوال  $i$ ) و (پاسخ‌دهنده  $j$ )، بهنجار می‌شود (هر داده تقسیم بر مجموع کل داده‌ها  $P_{ij}$ ). سپس انتروپی مقوله  $j$ ام یا بار اطلاعاتی آن ( $E_j$ ) به روش  $E_j = -k \sum_{i=1}^m (p_{ij} (\ln p_{ij}))$  محاسبه می‌شود که در آن  $k = \frac{1}{\ln(m)}$  (تعداد نمونه‌ها) است.

ضریب اهمیت هر یک از مولفه‌ها ( $W_j$ ) بر اساس معادله  $W_j = \frac{E_j}{\sum_{j=1}^n E_j}$  حساب می‌شود.

هر یک از مولفه‌ها که  $W_j$  بزرگ‌تری داشته باشد از اهمیت بیشتری برخوردار است. ابتدا اهمیت  $W_j$  مولفه برگزیده زیر که نظریه بر تاثیرگذاری آن‌ها بر عملکرد صندوق‌های نفتی دلالت داشت به طور مستقل، مورد پرسش قرار گرفت:

Q3- عملکرد صندوق‌های نفتی در کشورهای مختلف چقدر متاثر است از:

Q31- پایبندی سیاستمداران حزبی/خانوادگی به منافع بلندمدت حزب/خانندان است؟ (داشتن افق بلندمدت)

Q32- نوع رژیم سیاسی (پارلمانی یا ریاستی) است؟

Q33- نوع نظام انتخاباتی (تناسبی یا اکثریتی) است؟

Q34- چگونگی قواعد تعیین دستور کار در مجلس (اختیار نمایندگان برای مطرح کردن پیشنهاد برداشت از صندوق در زمان بررسی بودجه) است؟

Q35- انگیزه‌های نظام بروکراسی برای افزایش هزینه است؟

Q36- نظام مالی یکپارچه با طراحی چارچوب میان مدت مخارج است؟

Q37- قوانین محکم‌تر و دقیق‌تر است؟ (که نظارت را راحت‌تر و پاسخگویی را بیشتر می‌کند).

1- Shannon Entropy Method

۲- به نقل از. Liu C.-T. et al, pp. 52-56, 2009. , Yang Z. et al.; pp. 575-589, 2005.



تحلیل نظری قبل از بررسی پاسخ‌ها بیان می‌کند که افق بلندمدت سیاسیون مهم‌ترین تأثیر بر عملکرد مثبت صندوق‌های نفتی خواهد داشت.

رژیم سیاسی احتمالاً اثر زیادی بر عملکرد مثبت صندوق‌ها نداشته باشد. در کشوری که افق سیاسیون آن کوتاه است - چه با رژیم پارلمانی چه با رژیم ریاستی - برداشت‌های زیادی از صندوق صورت خواهد گرفت و قوه مجریه و مقننه با توافق با هم به خالی کردن صندوق‌ها مبادرت خواهند کرد. فرق آن در این است که در رژیم ریاستی، رییس‌جمهور سهم بالاتری از این منابع را خواهد داشت و تصمیمات صلاح‌دیدنی بیشتر خواهد شد و در رژیم پارلمانی، مجلس. اما بر عکس، در کشوری که سیاسیون آن بلندمدت حرکت می‌کنند - چه با رژیم پارلمانی چه با رژیم ریاستی - سازوکار صندوق به طور موفق عمل خواهد کرد.

نظام انتخاباتی نیز احتمالاً سهم مهمی در عملکرد مثبت صندوق‌ها در افق‌های کوتاه نداشته باشد. فرق آن در این است که در سیستم تناسبی، طبقات اجتماعی سهم بیشتری از منابع نفتی خواهند برد و در سیستم اکثریتی تک حوزه‌ای، مناطق سهم بیشتری می‌برند. در مقابل، در افق‌های بلندمدت چه با سیستم اکثریتی و چه با سیستم تناسبی، پایبندی مطلوبی به اهداف صندوق وجود خواهد داشت.

به نظر می‌رسد، قواعد دستور کار در موفقیت صندوق‌ها اهمیت داشته باشد، اما نه چندان زیاد. در دموکراسی‌های کامل مانند نروژ هر چند پارلمان نقش مسلط در میزان مازاد منابع و ورودی‌ها به صندوق را داراست، اما پایبندی به منافع بلندمدت اجازه خالی کردن صندوق عظیم نفتی را به آن‌ها نمی‌دهد. در مقابل، در دموکراسی‌های پرنوسان مانند ایران، وضع قاعده‌ای مانند نیاز به دو سوم رای نمایندگان برای برداشت از صندوق نفتی<sup>۱</sup> نیز نتوانست مانع سیاسیون برای برداشت از صندوق‌های نفتی شود. همچنین مهار انگیزه‌های بروکرات‌ها می‌تواند نقش مثبتی در عملکرد صندوق‌های نفتی داشته باشد.

نظام مالی یکپارچه و داشتن چارچوب میان‌مدت مخارج نیز می‌تواند نقش مهمی در عملکرد صندوق‌های نفتی داشته باشد<sup>۲</sup> و قانون محکم و خلل‌ناپذیر هر چند مهم بوده و

---

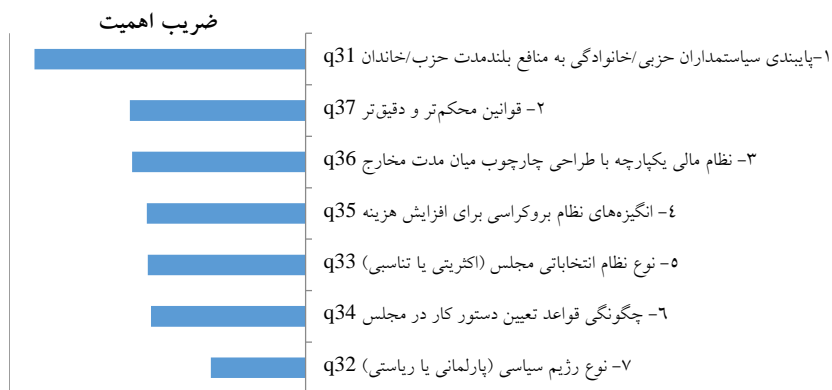
۱- با درج اساسنامه صندوق توسعه ملی در قانون برنامه توسعه، تغییر آن نیاز به دو سوم رای نمایندگان حاضر در جلسه دارد با این وجود، معمولاً پیشنهادها برای برداشت از صندوق که مستلزم تغییر قانون برنامه نیز است، رای می‌آورد.

۲- در مقاله مستقلی به تأثیر قواعد مالی بر عملکرد صندوق‌های نفتی در ایران، نروژ و عربستان پرداخته شده است.

نقش موثری در عملکرد صندوق‌ها داشته، اما اگر سیاسیون در دموکراسی ناقص نخواهند به قانون عمل کنند هیچ مانع جدی در مقابل آن‌ها نخواهد بود.

برخی از مصاحبه‌شوندگان، نقش قوه قضاییه را بسیار مهم و یکی از مولفه‌های اصلی تاثیرگذار بر پایداری به قانون می‌دانستند. با اذعان به این موضوع و از آنجا که قوه قضاییه در زمره سازمان‌های سیاسی انتخاباتی طبقه‌بندی نمی‌شود، خارج از حیطه مطالعه این تحقیق بود. بعد از این توضیحات، نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها به ترتیب نمودار (۱) است.

نمودار (۱): رتبه‌بندی مولفه‌های موثر بر عملکرد صندوق‌های نفتی در قانون



رتبه‌بندی نظرات خبرگان، فرضیه این مقاله مبنی بر اهمیت افق بلندمدت (q31) در عملکرد موفقیت صندوق‌های نفتی را تایید کرده و همچنین بر اهمیت قانون (q37) تاکید داشته که نشان‌دهنده اهمیت زیاد تدوین قانون دقیق و روشن (نهادهای رسمی) در موفقیت صندوق‌های نفتی است. در ادامه اهمیت همان مولفه‌ها در عملکرد بهتر صندوق‌های نفتی در نروژ نسبت به ایران با سوالات زیر مورد سنجش واقع شد:

Q4- عملکرد بهتر صندوق‌های نفتی در نروژ نسبت به ایران، چقدر متاثر از:

Q41- پایداری سیاستمداران حزبی نروژ به منافع بلندمدت حزب در آن کشور است؟

Q42- رژیم سیاسی پارلمانی در نروژ و ریاستی در ایران است؟

Q43- نظام انتخاباتی تناسبی در نروژ و اکثریتی در ایران است؟

Q44- قواعد تعیین دستور کار در پارلمان نروژ در مقایسه با ایران است؟

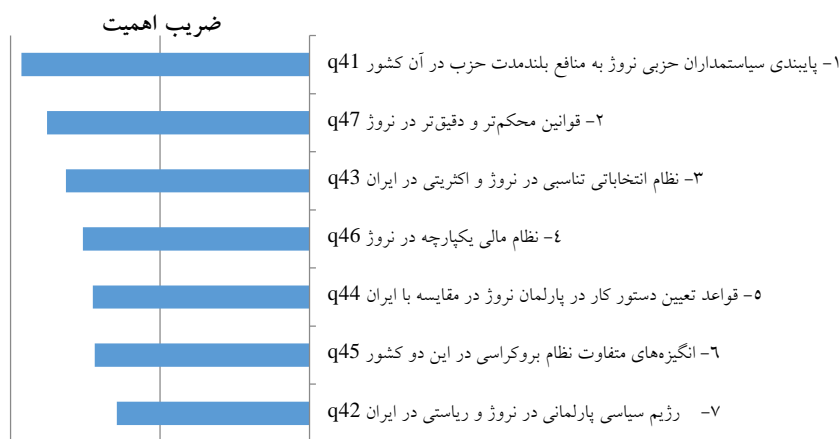
Q45- انگیزه‌های متفاوت نظام بروکراسی در این دو کشور است؟

Q46- نظام مالی یکپارچه در نروژ است؟ (صندوق نفتی نروژ در دل نظام بودجه ای قرار دارد).

Q47- قوانین محکم‌تر و دقیق‌تر در نروژ است؟

هرچند برخی از کارشناسان در مقایسه نروژ با ایران سهم مهمی از موفقیت صندوق نفتی نروژ را به توسعه یافتگی آن کشور و در مقابل عدم موفقیت ایران را به توسعه نیافتگی نسبت می‌دهند (صیادی و دیگران، ۱۳۹۵)، اما به نظر می‌رسد می‌توان مفهوم کلی توسعه یافتگی را با مولفه‌هایی شناسایی کرد و اهمیت آن مولفه‌ها را رتبه‌بندی کرد. علاوه بر این، برخی از مصاحبه‌شوندگان، جامعه همگن نروژ (شکاف کم و شباهت زیاد) و جمعیت کم را از مهم‌ترین دلایل توان آن‌ها برای اجماع‌سازی و همسو کردن منافع می‌دانستند. همچنین وجود قوه قضاییه مستقل در نروژ یکی از عوامل موفقیت صندوق‌های نفتی بیان شد. در هر صورت، نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها به ترتیب نمودار (۲) است.

نمودار (۲): مولفه‌های موثر بر عملکرد بهتر صندوق‌های نفتی در نروژ نسبت به ایران



در اینجا نیز مجدد افق بلندمدت سیاستمداران نروژی (q41) و قانون دقیق و روشن (q47) مهم‌ترین مولفه‌های تأثیرگذار بر عملکرد صندوق‌های نفتی شناخته شدند و البته نظام انتخاباتی تناسبی (q43) از نظر خبرگان اهمیتی بیشتر از میانگین در موفقیت

صندوق‌ها دارد. به نظر می‌رسد لازمه انتخابات تناسبی، داشتن احزابی ریشه‌دار و معتبر است که نشان‌دهنده نقش مهم احزاب در برگزاری انتخابات و شکل‌دهی مجلس است و می‌توان تاکید بر نقش احزاب را تایید دیگری بر فرضیه مقاله مبنی بر افزایش افق سیاستمداران با فعالیت آن‌ها در قالب احزاب واقعی دانست.

در ادامه اهمیت همان مولفه‌ها در عملکرد بهتر صندوق‌های نفتی در عربستان نسبت به ایران با سوالات زیر مورد سنجش واقع شد:

Q5- عملکرد بهتر صندوق‌های نفتی در عربستان نسبت به ایران، چقدر متاثر از:

Q51- پایداری حاکمان موروثی عربستان به منافع بلندمدت خاندان در آن کشور است؟

Q52- نظام انتصاب در عربستان است؟

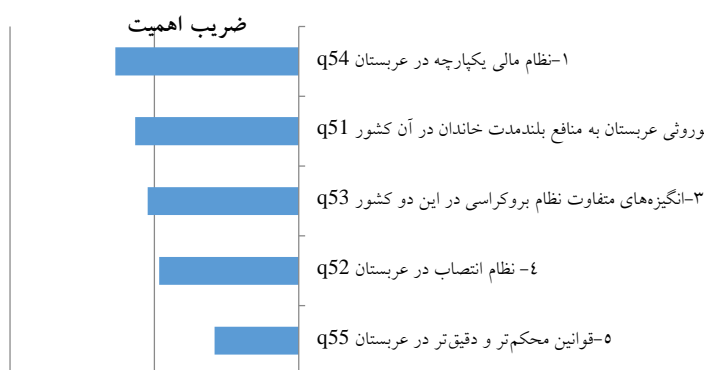
Q53- انگیزه‌های متفاوت نظام بروکراسی در این دو کشور است؟

Q54- نظام مالی یکپارچه در عربستان است؟ (صندوق نفتی عربستان در دل نظام بودجه‌ای آن قرار دارد).

Q55- قوانین محکم‌تر و دقیق‌تر در عربستان است؟

در مقایسه عوامل موفقیت صندوق نفتی عربستان و ایران، برخی کارشناسان سهم بزرگی برای مازاد سرمایه عربستان قائل بوده و نقش سایر عوامل را کم‌رنگ می‌دانستند. در این تحقیق با اذعان به اهمیت این عامل، اشاره می‌شود که در این مطالعه بر نقش نهادهای سیاسی تمرکز شده و در پی شناسایی و رتبه‌بندی آن‌ها است. نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها به ترتیب نمودار (۳) است.

نمودار (۳): مولفه‌های موثر بر عملکرد بهتر صندوق‌های نفتی در عربستان نسبت به ایران



یافته‌های این رتبه‌بندی ابتدا تأکیدی بر اهمیت نظام مالی یکپارچه (q54) در موفقیت صندوق‌های نفتی بوده و در مرحله بعد فرضیه مقاله مبنی بر اهمیت نقش افق بلندمدت سیاستمداران خانوادگی (q51) بر موفقیت صندوق‌های نفتی را مورد تأیید قرار می‌دهد. در اینجا انگیزه‌های متفاوت بروکراسی در عربستان نسبت به ایران (q53) نیز جزو عوامل مهم که امتیازی بیشتر از میانگین داشته‌اند برشمرده می‌شود.

یکسان بودن نتیجه در مورد عملکرد صندوق‌های نفتی در حکومت‌های استبدادی پدرمآب و دموکراتیک کامل، نباید این گمان را شکل دهد که در این تحلیل حکومت‌های استبدادی پدرمآب و دموکراتیک شبیه هم انگاشته شده‌اند؛ حکومت‌های استبدادی مانع پیشرفت بلندمدت جامعه هستند و مانع اصلی پیشرفت در این نوع حکومت‌ها این است که حقوق فردی، حتی در موضوعات نسبتاً غیرسیاسی یا اقتصادی همچون مالکیت و قراردادها هیچ‌گاه نمی‌تواند حداقل در بلندمدت، تضمین شود. در یک حکومت استبدادی، منبع نظم و تدارک کالاهای عمومی و به این ترتیب منشأ پیشرفت اجتماعی‌ای که تولید این کالاهای عمومی را امکان‌پذیر می‌سازد فقط منافع درگیر خاندان حاکم است نه منافع عامه مردم. اما حکومت‌های دموکراتیک، این مزیت بزرگ را دارند که بر حقوق فردی عامه مردم تأکید می‌ورزند. حقوق فردی لازمه حکومت دموکراتیک پایدار و هم‌ضامن حقوق مالکیت است و هم تضمین‌کننده اجرای قراردادها<sup>۱</sup> (اولسن، ۱۳۸۱، ص ۱۵۸).

در پایان، اگر خواسته باشیم ترتیب اهمیت نهادهای سیاسی و نحوه اجرای آن‌ها<sup>۲</sup> را یکجا رتبه‌بندی کنیم، نتایج حاصل از رتبه‌بندی نظر خبرگان نشان می‌دهد، پایبندی سیاستمداران حزبی/خانوادگی به منافع بلندمدت حزب/خاندان (q31)، شخصیت و رفتار

---

۱- عبادی، متوسلی، نیکونستی و خضرا (۱۳۹۰) در رد این ادعا که دیکتاتوری‌ها که از فشار رای‌دهندگان در امان هستند، بهتر می‌توانند جهت منافع ملتشان، برنامه‌ریزی کنند، دو دلیل بیان می‌کنند: «نخست آن‌که تعریف توسعه در سال‌های اخیر متحول شده و در حال حاضر، دموکراسی خود به یکی از شاخص‌های توسعه بدل شده است. علاوه بر این با بررسی ارتباط رشد اقتصادی و دموکراسی در خلال سال‌های ۱۳۹۷ تا ۲۰۰۹ با استفاده از داده‌های بیش از ۱۰۰ کشور و مدل داده‌های پانل نشان داده شده است که رابطه‌ای مثبت و معنادار میان رشد اقتصادی و دموکراسی وجود دارد.»

۲- نکته قابل توجه اینکه بررسی نهادها را می‌توان یک بار در سطح قانون (دوژوره؛ De jure) صورت داد و یکبار در سطح عمل (دو فکتو؛ De facto). تفاوت در عمل برای فهم چرایی عملکرد متفاوت نهادهای رسمی در محیط‌های متفاوت مناسب است (عجم اوغلو، ۲۰۱۵).

رییس جمهور (q14)، وجود رسانه‌های آزادتر و شفافیت بیشتر اقدامات دولت (q13)، قوانین محکم‌تر و دقیق‌تر (q37) و نظام مالی یکپارچه با طراحی چارچوب میان مدت مخارج (q36) مولفه‌های پرتاثیر از نگاه خبرگان بر عملکرد صندوق‌های نفتی هستند (جدول ۵).

جدول (۵): تاثیر مولفه‌های سیاسی در قانون و در اجرا بر موفقیت صندوق‌های نفتی

مؤلفه	Wj	ضریب اهمیت
پایبندی سیاستمداران حزبی/خانوادگی به منافع بلندمدت حزب/خاندان	q31	۰/۰۶۷۷۳
شخصیت و رفتار رئیس جمهور	q14	۰/۰۶۷۲۸۳
وجود رسانه‌های آزادتر و شفافیت بیشتر اقدامات دولت	q13	۰/۰۶۷۲۵۳
قوانین محکم‌تر و دقیق‌تر	q37	۰/۰۶۷۰۱۹
نظام مالی یکپارچه با طراحی چارچوب میان مدت مخارج	q36	۰/۰۶۷۰۰۱
انگیزه‌های نظام بروکراسی برای افزایش هزینه‌ها	q35	۰/۰۶۶۸۸۵
نوع نظام انتخاباتی مجلس (اکثریتی یا تناسبی)	q33	۰/۰۶۶۸۷۶
چگونگی قواعد تعیین دستور کار در مجلس	q34	۰/۰۶۶۸۵۱
کنترل انگیزه‌های بروکرات‌ها برای افزایش هزینه‌ها	q16	۰/۰۶۶۶۴۹
تعهد بیشتر رئیس جمهور به گروه‌های حامی خود	q15	۰/۰۶۶۵۸۵
رقابت سیاسی بیشتر	q12	۰/۰۶۶۴۱۹
نوع رژیم سیاسی (پارلمانی یا ریاستی)	q32	۰/۰۶۶۳۸
تدوین آیین‌نامه دقیق و روشن برای اداره آن‌ها	q18	۰/۰۶۶۰۱۹
واگذاری اداره صندوق به متخصصان	q17	۰/۰۶۵۵۱۵
حضور جناح‌های متفاوت در حاکمیت کشور	q11	۰/۰۶۵۴۹۲

در پایان، اگر خواسته باشیم ترتیب اهمیت نهادهای سیاسی و نحوه اجرای آن‌ها<sup>۱</sup> را یکجا رتبه‌بندی کنیم، نتایج حاصل از رتبه‌بندی نظر خبرگان نشان می‌دهد، پایبندی سیاستمداران

۱- نکته قابل توجه اینکه بررسی نهادها را می‌توان یک بار در سطح قانون (دو ژوره؛ De jure) صورت داد و یکبار در سطح عمل (دو فکتو؛ De facto). تفاوت در عمل برای فهم چرایی عملکرد متفاوت نهادهای رسمی در محیط‌های متفاوت مناسب است (عجم اوغلو، ۲۰۱۵).

حزبی/خانوادگی به منافع بلندمدت حزب/خاندان (q31)، شخصیت و رفتار رییس‌جمهور (q14)، وجود رسانه‌های آزادتر و شفافیت بیشتر اقدامات دولت (q13)، قوانین محکم‌تر و دقیق‌تر (q37) و نظام مالی یکپارچه با طراحی چارچوب میان مدت مخارج (q36) مولفه‌های پرتأثیر از نگاه خبرگان بر عملکرد صندوق‌های نفتی هستند (جدول ۵).

## ۶- نتیجه‌گیری

در این مقاله با تمرکز به اهمیت بنیادین افق زمانی سیاستمداران در موفقیت صندوق نفتی، بیان شد اگر افق زمانی سیاستمداران کوتاه‌مدت باشد، سیاست‌گذاران با در نظر گرفتن منافع کوتاه‌مدت خود ترجیح می‌دهند تا در مواجهه با مطالبات گروه‌های مختلف جامعه، هر چه سریع‌تر با روش‌های قانونی و حتی غیرقانونی درآمدهای نفتی را خرج کنند. به عبارت دیگر، اگر در کشوری منافع نظام تدبیر ایجاب کند که همواره در پی استفاده فوری از منابع نفتی باشد، سازوکار صندوق‌های نفتی موفق نخواهد بود. این ویژگی یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در عدم موفقیت سازوکار حساب ذخیره ارزی و یا صندوق توسعه ملی در ایران بوده است، اما چرا یک سازمان سیاسی مانند مجلس شورای اسلامی این گونه عمل کرده، اما سازمان‌های سیاسی مشابه (به عنوان نمونه در نروژ) به گونه‌ای دیگر تصمیم می‌گیرند؟

به نظر می‌رسد در ایران انگیزش‌های مستتر در ساختار نهادی سبب سوق دادن سیاستمداران به اتخاذ تصمیمات کوتاه‌مدت به جای تصمیمات بلندمدت می‌شود. در نتیجه، اگر نظام انتخاباتی برانگیزنده انگیزه‌های کوتاه‌مدت باشد، سازوکارهای انباشتی و تثبیتی عموماً کار نخواهد کرد و می‌توان گفت عملکرد موفق صندوق‌های نفتی نیازمند نظام انتخاباتی تشویق‌کننده انگیزه‌های بلندمدت در سیاستمداران است.

البته در صورتی منافع سیاستمداران با تصمیمات بلندمدت تامین می‌شود که به جای در نظر گرفتن منافع اشخاص، منافع احزاب یا خاندان که فراتر از عمر اشخاص، دوام می‌آورند، مدنظر گرفته شود. در نظام‌های دموکراتیک این کار با سازماندهی انتخابات ریاست‌جمهوری یا مجلس مبتنی بر نقش احزاب و در نظام‌های استبدادی پدرمآب، این کار با در نظر گرفتن منافع خاندان پادشاهی صورت می‌گیرد. این چارچوب مفهومی، فرضیه‌های مقاله را تأیید کرده و تأیید نهایی آن منوط به نظر نخبگان شد که از طریق پرسشنامه صورت گرفت. نتایج حاصل از رتبه‌بندی نظر خبرگان نشان می‌دهد در بین

نهادهای رسمی پایبندی سیاستمداران حزبی/خانوادگی به منافع بلندمدت حزب/خاندان مهم‌ترین مولفه موثر بر عملکرد صندوق‌های نفتی است.

اما مطالعات نشان می‌دهد نهادهای سیاسی در ایران «هر چند به ظاهر در قوانین از تشکیل احزاب حمایت کرده، اما در عمل هزینه سیاستمداران در ساختار حزبی را افزایش داده است و هزینه سیاستمداران در ساختار انفرادی را پایین نگه داشته است. بنابراین در دوره ۱۳۲۰ تا پایان دهه ۱۳۸۰ احزاب نتوانسته‌اند هزینه مبادله در امور سیاسی را بکاهند و خود منشا بروز برخی هزینه‌های مبادله بوده‌اند» (عبادی و چشمی، ۱۳۹۲). در این شرایط، فعالیت در احزاب به ضرر فرد است و با توجه به مدل رفتاری این مقاله تا منافع سیاستمداران ایجاب نکند، آن‌ها حاضر به کنش در قالب احزاب نخواهند بود و در نتیجه چندان امکان افزایش افق تصمیم‌گیری از این روش با حفظ شرایط کنونی نهادهای سیاسی میسر نیست. علاوه بر این، همانطور که بیان شد، سیاست‌ورزی خانوادگی در قالب نظام‌های پادشاهی ممکن است بتواند با افزایش افق تصمیم‌گیری، سبب موفقیت در برخی حوزه‌ها شود، اما استبداد در بلندمدت به زیان توسعه کشورها عمل خواهد کرد و در نتیجه افزایش افق تصمیم‌گیری از این روش به مصلحت نیست.

در مجموع، می‌توان گفت نظام انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران به گونه‌ای است که دولت‌ها افق زمانی چهار ساله دارند و مصلحت سیاسی آن‌ها ممکن است حداکثر استفاده از عایدات نفتی را اقتضا کند. دولت‌ها از این طریق سعی می‌کنند ضمن تامین نیازهای مالی روزافزون بودجه، رضایت مردم و گروه‌های ذی‌نفوذ در حاکمیت را جلب کنند و رای بیشتری برای دوره بعدی به دست آورند.

همچنین در قانون اساسی اختیار بررسی برنامه‌ها و بودجه‌ها به مجلس شورای اسلامی داده شده است. مجلسی که با نظام انتخاباتی اکثریتی و عموماً تک‌حوزه‌ای شکل می‌گیرد. این مجلس، مایل است دخالت بیشتری در تصمیمات اقتصادی دولت داشته باشد و نمایندگان تلاش می‌کنند لوایح بودجه را براساس بیشترین برخورداری مردم ساکن در حوزه نمایندگی خود تصویب کنند. نمایندگان می‌دانند که به مجلس راه می‌یابند پشتوانه حزبی ندارند و فاقد یک برنامه سیاسی ناظر به مسائل اقتصاد ملی هستند. بنابراین، پیش از آن که به منافع ملی وفادار باشند به منافع محلی وفادارند. نمایندگان معمولاً عامل فشاری‌اند بر دولت و سازمان برنامه برای افزایش اعتبارات طرح‌های عمرانی، هزینه‌ها و یارانه‌ها.



در نتیجه سوال مهمی که باید به آن پاسخ دهیم این است که در این زمینه<sup>۱</sup> آیا امکان موفقیت صندوق‌های نفتی وجود دارد؟ به نظر می‌رسد پاسخ منفی است و تلاش برای موفقیت این سازمان‌ها و سازوکارها مستلزم تغییرات مورد نیاز در نهادهای سیاسی پیش‌گفته است.

به نظر می‌رسد، یکی از راهکارهای موثر که می‌تواند بر عملکرد صندوق‌های نفتی تأثیر مثبتی داشته باشد، تغییر قانون انتخابات مجلس و تبدیل آن از نظام اکثریتی (عموماً) تک‌حوزه‌ای فعلی به انتخابات تناسبی است. این اقدام محرکی قوی برای شکل‌گیری احزاب در کشور خواهد بود و هرچند ممکن است مجلس برآمده از این نوع نظام انتخاباتی در آغاز کار تفاوت چشمگیری در مهار هزینه‌ها نداشته باشد<sup>۲</sup>، اما امید است با تقویت نظام حزبی از طریق تغییر نظام انتخابات مجلس، افق سیاستمداران را به تدریج از کوتاه‌مدت به بلندمدت سوق داد.

در پایان یادآور می‌شود اصلاح نهادهای سیاسی مورد اشاره بدون توجه به سایر الزامات موفقیت صندوق‌های نفتی از جمله اصلاح نظام بودجه‌ریزی و مهار هزینه‌های دولت و اصلاح حقوقی (قوانین مرتبط با فعالیت صندوق‌های نفتی) (که در دو مقاله مستقل مورد بررسی قرار گرفته است) اثر مطلوب را نخواهد داشت به طوری که اگر صندوق نفتی به طور مناسب با بودجه دولت یکپارچه نشده باشد، مدیریت مالی را پیچیده کرده و می‌تواند به تخصیص ناکارای منابع مالی و به کاهش شفافیت منجر شود. برخورداری از یک خزانه برای همه منابع دولت، انتقال مازاد واقعی بودجه به صندوق نفتی، نقش محوری بانک مرکزی در مدیریت دارایی‌های ارزی و محدود کردن کسری بودجه غیرنفتی به عنوان مکمل سازوکار صندوق نفتی، ۴ ویژگی لازم برای داشتن بودجه یکپارچه است.

مقایسه عملکردهای صندوق نفتی نروژ و ایران (حساب ذخیره ارزی و صندوق توسعه ملی) نشان می‌دهد که عدم یکپارچگی نظام مالی در ایران، نبود مدیریت جامع بر وجوه عمومی، شفاف نشدن کل منابع و مصارف عمومی و تصمیم‌گیری درباره مصارف صندوق‌های نفتی از طریق خارج از سند بودجه کل کشور بر عملکرد حساب ذخیره و

---

#### 1- Context

۲- زیرا به سبب وابستگی به مسیر طی شده در بودجه‌ریزی و مخارج دولت، ریشه دواندن رفتار جدید در مجلس و تغییر الگوهای قبلی نیازمند زمان است.

صندوق توسعه ملی تاثیر نامطلوب داشته است، اما عملکرد مطلوب صندوق نفتی نیروژ به این دلیل است که صندوق آن در درون نظام مالی و بودجه ریزی یکپارچه و جامع این کشور قرار دارد.

## منابع

### الف) فارسی

- ابراهیمی محسن و علی سوری علی (۱۳۸۴)، «زیان ناشی از نااطمینانی درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی و ضرورت حساب ذخیره ارزی»، *نامه اقتصادی*، ج ۱، ش ۱، ۴۳-۵۴.
- اوزاسکی رونالدو و دیگران (۱۳۸۹/۲۰۰۳)، مقالات تدوین و اجرای سیاست مالی در کشورهای تولیدکننده نفت، ترجمه گروه مترجمان، به کوشش شاهین جوادی، مرکز پژوهش‌های مجلس.
- اولسن، منسر (۱۳۸۱)، *استبداد، مردم سالاری و توسعه*، ترجمه حسین راغفر، تهران: نشر نقش و نگار.
- اولسن، منسر (۱۹۹۷)، *منطق اقدام گروهی*، ترجمه یوسف جسمی و دیگران (۱۳۸۴)، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- ایفرت بن، آلن گلب و نیلز تالروث (۲۰۰۳)، *اقتصاد سیاسی سیاست مالی و مدیریت اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت*، ترجمه پیام محمدعلیها (۱۳۸۹)، کتاب مجموعه مقالات تدوین و اجرای سیاست مالی در کشورهای تولیدکننده نفت، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- بوکانان، جمیز (۱۹۹۷)، *مالیه عمومی و انتخاب عمومی*، ترجمه یوسف جسمی، محمد قاسمی و علی یوسفیان (۱۳۸۴)، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- بهبودی داود، محمدعلی متفکر آزاد، پرویز محمدزاده، سید کمال صادقی و سیاب ممی پور (۱۳۹۱)، «صندوق توسعه ملی یا توزیع مستقیم درآمدهای نفتی (بررسی مقایسه‌ای)»، *مجلس و راهبرد*، شماره ۷۱.
- بهبودی داود (۱۳۸۷)، «نقش حساب ذخیره ارزی در ثبات درآمدهای دولت در قالب مدل تعادل عمومی»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۸۲.

- پناهی‌نژاد هدی و سعیده شفیعی (۱۳۹۲)، مطالعه تطبیقی عملکرد صندوق‌های مدیریت درآمدهای حاصل از منابع طبیعی در کشورهای مختلف، صندوق توسعه ملی.
- تمدن جهرمی، محمدحسین (۱۳۸۹)، گفتارهایی در زمینه اقتصاد، علوم اجتماعی و شناخت روش علم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- حاجی میرزایی، سید محمدعلی (۱۳۸۵)، «بررسی ضرورت و امکان تاسیس صندوق نفت در ایران»، مجله اقتصادی، شماره ۵۵ و ۵۶.
- حاجی میرزایی، سید محمدعلی (۱۳۸۵)، «بررسی عملکرد حساب ذخیره ارزی به عنوان روش مدیریت درآمدهای نفتی در ایران»، فصلنامه مدیریت و توسعه، شماره ۲۸.
- حسینی، سید مهدی و علیرضا باستانی (۱۳۹۳)، «ژصندوق‌های ثروت ملی موفق (الگوها و رفتارها)؛ آموزه‌هایی برای صندوق توسعه ملی جمهوری اسلامی ایران، صندوق توسعه ملی.
- خضری، محمد (۱۳۸۷)، «اقتصاد سیاسی رانت‌جویی در بودجه‌ریزی دولتی ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سوم، شماره ۴.
- دانشفر، محمدحسین (۱۳۹۲)، مدل پیشنهادی تبدیل منابع صندوق توسعه ملی (درآمدهای نفت و گاز کشور) به سرمایه‌های فزاینده اقتصادی بعنوان ثروت بین نسلی، صندوق توسعه ملی.
- درازن، آلن، اقتصاد سیاسی اقتصاد کلان، ترجمه جعفر خیرخواهان (۱۳۹۰)، موسسه عالی آموزش و پژوهش در مدیریت و برنامه‌ریزی.
- دوانز، آنتونی (۱۹۵۷)، نظریه اقتصادی رفتار سیاسی در نظام دموکراسی، ترجمه یوسف جسمی، محمد قاسمی و علی یوسفیان (۱۳۸۴)، تهران: مرکز پژوهشهای مجلس.
- رمزی یر، جی مارک (۱۹۹۵)، انتخاب عمومی، ترجمه یوسف جسمی و دیگران (۱۳۸۴)، تهران: مرکز پژوهشهای مجلس.
- زمان‌زاده حمید، صادق الحسینی (۱۳۹۳)، اقتصاد ایران در تنگنای توسعه، تهران: نشر مرکز، چاپ دوم.
- شهنازی، روح‌الله، رحمان خوش اخلاق و محسن رنانی (۱۳۹۱)، «تخصیص بهینه دریافتی‌های نفتی دولت (مطالعه موردی: ج.ا. ایران)»، فصلنامه اقتصاد محیط زیست و انرژی، سال اول شماره ۳.

- صادقی حسین و داود بهبودی (۱۳۸۳)، «حساب ذخیره ارزی، مبانی، تجربه کشورها و عملکرد ایران»، پژوهشهای رشد و توسعه پایدار، شماره ۱۳.
- صیادی محمد، عباس شاکری، تیمور محمدی تیمور و جاوید بهرامی (۱۳۹۵)، «تکانه‌های تصادفی و مدیریت درآمدهای نفتی در ایران؛ رویکرد تعادل عمومی تعصافی پویا (DSGE)»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۱۶، شماره ۶۱، صص ۳۳-۸۰.
- عبادی، جعفر و عی چشمی (۱۳۹۲)، «چارچوبی تلفیقی برای تحلیل تشکیل احزاب سیاسی به روش اقتصاد هزینه‌ی مبادله»، فصلنامه تحقیقات اقتصادی، شماره ۱۰۲.
- عبادی جعفر، محمود متوسلی، علی نیکو نسب‌تی و نازنین خضرا نازنین (۱۳۹۰)، «آیا دموکراسی برای کشورهای در حال توسعه خوب است؟»، فرایند مدیریت و توسعه، شماره ۷۸.
- عجم‌اوغلو دارون و ج جیمز رابینسون (۲۰۱۲)، چرا ملت‌ها شکست می‌خورند، ترجمه محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی پور (۱۳۹۳)، تهران: انتشارات روزنه.
- عزیزنژاد، صمد، (۱۳۹۳) «عملکرد تسهیلات حساب ذخیره ارزی در نظام بانکی ایران»، مرکز پژوهش‌های مجلس.
- کارل، تری لین (۱۹۹۷)، معمای فراوانی، ترجمه جعفر خیرخواهان (۱۳۸۸)، تهران: نشر نی.
- کریمی فرد حسن (۱۳۹۰)، «ارزیابی صندوق درآمدهای ملی ناشی از فروش منابع طبیعی تجدیدناپذیر؛ با تأکید بر صندوق توسعه جمهوری اسلامی ایران»، مجلس و راهبرد، شماره ۶۸.
- گزارش تحقیق و تفحص از عملکرد برنامه چهارم توسعه (۱۳۹۰)، مجلس شورای اسلامی.
- مانیان امیر، بابک سهرابی و نیکتا شادمهری (۱۳۹۳)، «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل موثر در ارزیابی وب‌سایت بر اساس تحلیل اسنادی مقاله‌های پژوهشی»، پژوهش‌های مدیریت در ایران، مقاله ۱۰، دوره ۱۸، شماره ۱، صص ۲۲۳-۲۴۵.
- مردوخی، بایزید (۱۳۸۴)، «مدیریت ثروت نفتی و حساب ذخیره ارزی در برنامه سوم توسعه»، اقتصاد و جامعه، شماره ۵.
- ملک‌الساداتی سیدسعید، مصطفی سلیمی‌فر، محمدرضا لطفعلی‌پور و هادی قوامی (۱۳۹۲)، «نهادهای انتخاباتی و گرایش‌های بودجه‌ای ملی و منطقه‌ای نمایندگان مجلس شورای

اسلامی ایران؛ تحلیل محتوای تذکرات نمایندگان دوره هشتم»، *مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای*، سال بیستم، دوره جدید شماره ۵.

موسوی‌آزاد کسمایی، افسانه (۱۳۹۱)، «ارزیابی حساب ذخیره ارزی با رویکرد استفاده بهینه درآمدهای نفتی در اقتصاد کشور»، *نشریه راهبرد توسعه*، شماره ۳۰.

مومنی فرشاد و رضا زمانی رضا، «تحلیل الگوی توسعه ایران بین دو انقلاب، مبتنی بر اقتصاد سیاسی و نظم اجتماعی»، *فصلنامه راهبرد*، سال بیست و دوم، شماره ۹۶، صص ۷-۹۶.

مهدویان، محمدهادی (۱۳۸۵)، *بازنگری کارکرد و ساختار حساب ذخیره ارزی*، مرکز تحقیقات استراتژیک.

میرشجاعیان حسینی، حسین و فرهاد رهبر (۱۳۹۱)، «تحلیل کمی الگوی اقتصاد سیاسی تخصیص بودجه‌های استانی در ایران»، *دوفصلنامه جستارهای اقتصادی ایران*.

نادعلی، محمد (۱۳۹۲)، *مسیر حرکت آتی صندوق توسعه ملی*، تهران: صندوق توسعه ملی.

نوفرستی، محمد (۱۳۷۵)، *آمار در اقتصاد و بازرگانی*، جلد دوم، تهران: رسا.

وینتروب، رونالد (۱۹۹۷)، *نظریه نوین بروکراتیک*، ترجمه یوسف جسمی، محمد قاسمی و علی یوسفیان (۱۳۸۴)، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.

ویلیامسون، الیور (۲۰۰۰)، «اقتصاد نهادگرایی جدید، دستاوردهای گذشته و نگاهی به فرارو»، ترجمه محمود متوسلی (۱۳۸۱)، *مجله برنامه و بودجه*، شماره ۷۳.

هادی زنوز بهروز (۱۳۸۸)، *اقتصاد ایران: نظرها و نقلها*، تهران: نشر توسعه، چاپ دوم.

هادی زنوز بهروز و میثم پیله‌فروش (۱۳۹۳)، «حساب ذخیره ارزی و صندوق توسعه ملی در ایران تفاوت‌ها، عملکرد و مبانی قانونی»، *نشریه راهبرد توسعه*، شماره ۴۰.

هیات نظارت بر صندوق توسعه ملی، ۱۳۹۴.

#### ب- انگلیسی

Acemoglu Daron (2015), Political Economy of Institutions and Development, Lecture 1: Introduction and Overview, MIT

Asfaha, Samuel G (2007), National Revenue Funds: Their Efficacy for Fiscal Stability and Inter-Generational Equity, IISD.

Bagattini, Gustavo Yudi (2011), The Political Economy of Stabilisation: Funds: Measuring their Success in Resource Dependent Countries.

Lawson, Tony (1998), "Clarifying and Developing the Economics and Reality Project: Closed and Open System, Deductivism, Prediction, and

- Teaching”, *Review of Social Economy*, Vol. LVI, No.3, p.356-375.
- Lindblom, C. (1977), *Politics and Markets*, New York: Basic Books.
- Lundell, Krister (2005), “Contextual Determinants of Electoral System Choice; A Macro Comparative Study (1945-2003)”, Finland, Å BO Akademi University Press.
- Persson, Torsten, and Guido Tabellini (2003), *The Economic Effects of Constitutions*, Cambridge, MA: MIT Press.
- Roland, Gerard (2014), *Development Economics*, University of California, Berkeley.
- Torvik Ragnar (2009), “Why do Some Resource-abundant Countries Succeed while others do not?”, *Oxford Review of Economic Policy*, Vol. 25, No. 2, pp.241–256.
- Williamson, Oliver E. (1985), *The Economic Institutions of Capitalism*, New York: Free Press.